

# آهنگ سید

سال

۲۳

شماره

۸۹۷

SOME three thousand Baha'is from all over the world will gather today in Palermo, Sicily for a ceremony to commemorate the 100th anniversary of the birth of Baha'u'llah, Prophet-Founder of the Bahá'í Faith. As an exile from His native Persia because of religious teachings, Baha'u'llah was first banished to Baghdad. In May, 1868, He and a small group of followers were taken to Constantinople and



## A NEW MESSAGE OF HOPE

6 EYLUL 1968

### İbadeti olm

# BAHA'İ

## Bahailer

## Iniziata oggi conferenza «Baha'i»



6 EYLUL 1968

Geçen yüzyılın doğmuş BAHÁ'İ bugün dünyaya yayılmıştır

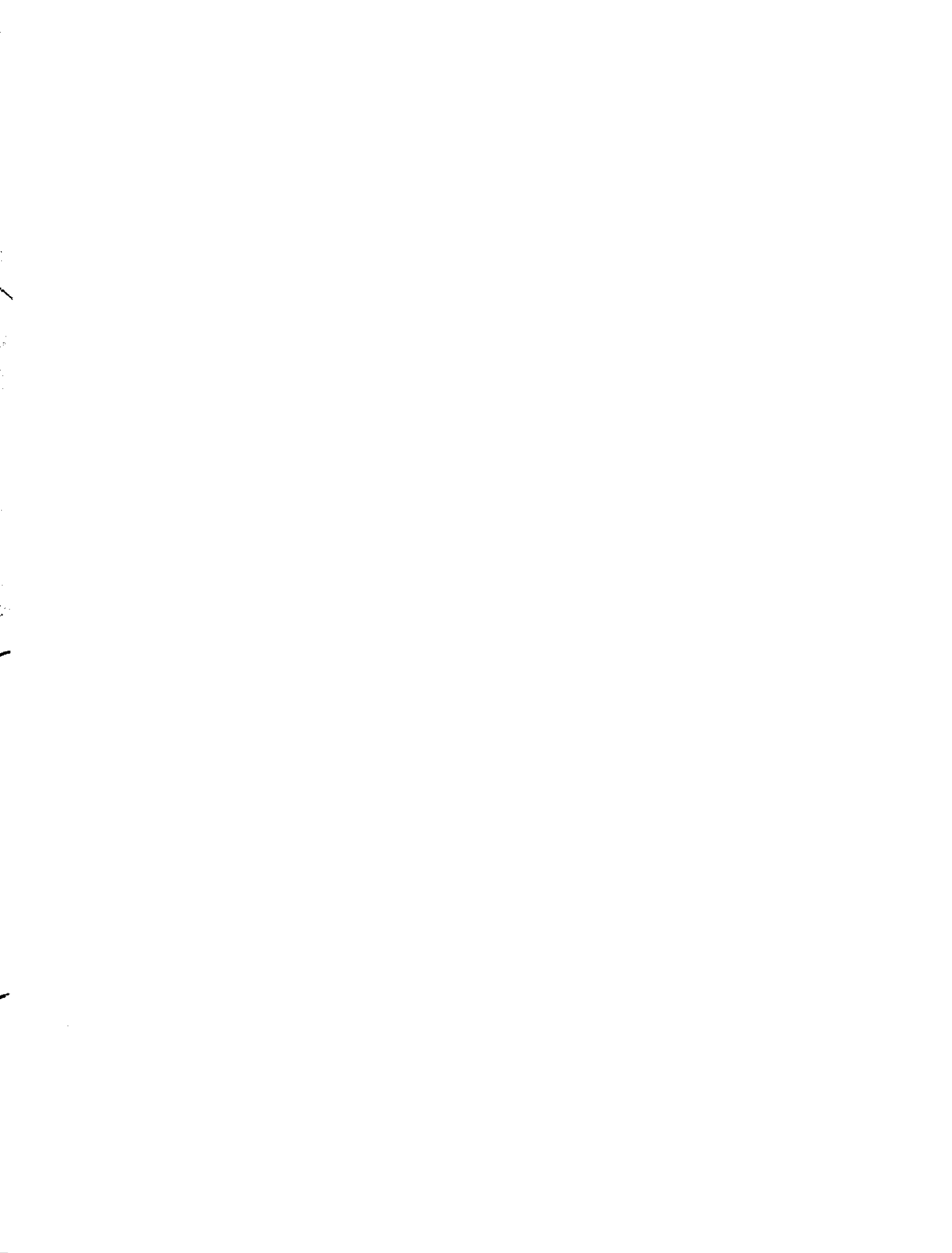
10.000'

## Bahai's honour their founder

Birlik senliğinde silâhsız barış fikri müdalaâ edildi

**N**epoli Üniversitesi'nin Dagu Dil ve Edebiyatları Enstitüsü'nde Bahá'í Konferansı yapılarak Bahá'î'nin barış fikriyle ilgili bir konferansın yapıldığı öğrenildi. Konferansın açılışında Bahá'î'nin barış fikriyle ilgili bir konferansın yapıldığı öğrenildi. Konferansın açılışında Bahá'î'nin barış fikriyle ilgili bir konferansın yapıldığı öğrenildi.

**B**ahá'îler, meslekleri, dinleri, renkleri, dilleri, kültürleri, gelenekleri, inanışları, fikirleri, duyguları, her türlü farklılıklarını bir kenara bırakarak, bir araya gelerek, birlik ve beraberlik içinde, barış ve huzur ortamında, bir dünya görüşü geliştirmişlerdir. Bahá'îler, bu görüşleri, her türlü farklılıklarını bir kenara bırakarak, bir araya gelerek, bir dünya görüşü geliştirmişlerdir.



اجزاء قطعاً نباید بیسج حزبی داخل شوند و در امر سیاست به نظر نمایند. « حضرت عبدالباقا »

صفحات

مطالب

۱۸۰	۱ - لوح مبارك حضرت عبدالبهاه
۱۸۱	۲ - گسترش جديد نظم ادارى
۱۸۵	۳ - سرکونی جمال اقدس ابهى به عکا
۱۹۱	۴ - خاطرات نبیل زرندى از وقایع ایام سرکونی
۱۹۳	۵ - چند نکته تاریخى
۱۹۵	۶ - کفرانس پالرمو
	۷ - جشن یکصدمین سال نزول اجلال جمال
۲۰۶	اقدس ابهى به اراضى مقدسه
۲۱۰	۸ - چشمان عبدالبهاه
۲۱۳	۹ - کاروانهای شکر ( شعر )
۲۱۴	۱۰ - جناب عبد الرحیم بشریبه ای
۲۲۰	۱۱ - اخبار مصر
۲۲۲	۱۲ - تاریخچه پیشرفت امرالله در لائوس
۲۲۵	۱۳ - عشق دامنگیر ( شعر )
۲۲۶	۱۴ - اسناد و مدارک
۲۲۸	۱۵ - گفت و شنود
۲۳۱	۱۶ - قسمت نو جوانان

# آهنگ بدیع

سال

۲۳

شماره

۸۹۷

شهرالمشبه - شهرالقدره ۱۲۵ - مهر و آبان ۱۳۴۷

مخصوص جامعه بهائی است

ایکو خب که برده نسیم بیست و دو خطی است

هو اللبکر

در ناطق بحر جمن در تمام در اوزار حرکت بر عوالم و حو را احاطه نموده است و امواج بحر را عظمی و عظامی است

از دراز فوخت کعبه شمع و حیدر آینه در حایان زنگش تجرید و همه نخل و توپ و غیره از حرکت بر میزند

و صد حرکت عظیمه در عظمی و اللبکر از حرکت (عاج و غیره) در کوه و دریا و غیره در حرکت

بگویند که این دریا در عظمی و اللبکر است و این دریا در عظمی و اللبکر است

گسترش جدید نظم اداری

# تأسیس هیئت مشاورین قاره ای

از دکتر باهر فرغانی

دیوان عدل اعظم الهی اخیراً طی پیام مسرت بخشی (۱) بشارت تأسیس مشروع جدیدی را در سلسله مؤسسات نظم بدیع جهان آرایی الهی بجوامع بهائی در سراسر عالم ابلاغ فرمودند. این مؤسسه بدیعه هیئت مشاورین قاره ای است که به اراده بیت العدل اعظم و بمنظور کمک و مساعدت به آبادی ام‌الله تأسیس گردیده است و نشانه گسترش روز افزون نظم اداری حضرت بهاء الله است که از آغاز عصر تکوین همواره با تأسیس مؤسسات جدید همراه بوده است.

در عصر تکوین دور بهائی که به فرموده حضرت ولی محبوب ام‌الله " به ارتفاع نظم اداری مخصص گشته " (۲) مؤسسات بهیه نظم بدیعه نجات بخش الهی طبق تعلیمات شارع شریعت مقدسه بهائی و تبیینات مرکز میثاق امر از رحمانی بهدایت و قیادت یگانه ولی امر بهائی حضرت شوقی ربانی یکی پس از دیگری به منصفه ظهور و بروز رسیدند. عدد محافل روحانیه محلیه محور اقدامات پیروان امر حضرت رب البریه که تشکیل آنها از اواخر حیات مبارک حضرت مولی الوری آغاز شده بود بسرعت افزایش یافت و رقم محافل روحانیه ملیه ارکان دیوان عدل اعظم الهی که نخستین دسته از آنها در سال ۱۹۲۳ میلادی تأسیس گشته بود فزونی حاصل نمود. مصداق بشارت جان افزای مبشر فرید امر بهائی " طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله " تحقق پذیرفت و فاهیم مودعه در بیان مبارک مؤسس جلیل امر الهی " قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم " بتدریج واضح و آشکار گردید.

در سالهای اولیه عهد ثانی عصر تکوین یعنی در سال ۱۹۵۱ میلادی نیز پس از گذشت متجاوز از یک ربع قرن از تأسیس اولین محافل روحانیه ملیه

مؤسسه ایادی امرالله که اساسش از طرف حضرت بهاء الله مورد اشاره قرار گرفته و کیفیت تأسیسش بوصیله حضرت عبدالبهاء تصریح گردیده بسود بدست توانای حضرت ولی امرالله تأسیس یافت و بدین ترتیب "توسعه پسر شکوه نظم بدیع نجات بخش حضرت بهاء الله" (۳) که همواره با تأسیس مستمر مؤسسات و تشکیلات امریه همراه بوده " (۴) با تأسیس مشروع بدیعی مشهود و آشکار گردید .

حضرت ولی امرالله تحت هدایت مرلای بیهمتای اهل بهاء بسود وظیفه خطیر و اساسی خود یعنی تبلیغ و صیانت امرالله قیام کرد و بتدریج مراحل رشد و تکامل خود را طی نموده تکمیل و توسعه یافت تا حدی که حضرت ولی امرالله اندکی قبل از صعود ایادی امرالله را بنام "حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله" (۵) و "صاحب منصبان عالی مرتبه نظم بتدریج التکامل اداری بهائی" (۶) بیاران الهی معرفی فرمودند .

پس از صعود حضرت ولی امرالله که عالم بهائی بظاهر از داشتن چنان مولای مهربانی محروم شده بود ارج و بهای این مؤسسه جلیله بیشتر واضح و آشکار گردید . حارسان مدنیت الهیه یکباره خود را در برابر مسئولیتهای عظیمه یافتند و با اتخاذ تدابیر لازمه جامعه ماتم زنده بهائی را در سراسر عالم به وصایای آن مولای بیهدتا متوجه و بسعی و فعالیت در ظل جهاد کبیر اکبر روحانی ترغیب و تجهیز نمودند و بالاخره به شهادت بیت العدل اعظم " امرالله را صحیحا سالما بنام حضرت ولی محبوب امرالله به مرحله ظفر و پیروزی " (۷) رسانیدند .

بیت العدل اعظم الهی پس از تأسیس یکی از اهداف مرکز جهانی نقشه بدیعه نه ساله را "اتساع دایره مؤسسه ایادی امرالله با مشورت آن هیئت مجلله بمنظور امتداد دو وظیفه خاصه آن عصبه جلیله یعنی محافظت و تبلیغ امرالله در آینده" (۸) قرار دادند و بعد طی ابلاغیه دیگری اعلام فرمودند که "مسئولیت اتخاذ تصمیم در مسائل مربوط به خط مشی کلی مؤسسه ایادی امرالله که در گذشته منوط به اراده ولی محبوب امرالله بوده اینک بر عهده بیت العدل اعظم یعنی مرجع عالی و محور مؤسسات امریه محمول است" (۹) و در دنباله این تصمیم پروگرام کار آن حارسان مدنیت الهیه در قارات مختلفه عالم تنظیم شد و عدد اعضای هیئت های معاونت نیز در جمیع قارات افزایش یافت .

حال نیز دیوان عدل اعظم الهی در تعقیب و تحقق همان هدف مهم "اتساع دایره مؤسسه ایادی امرالله بمنظور امتداد دو وظیفه خاصه آن یعنی محافظت و تبلیغ امرالله در آینده" و با توجه به گسترش روز افزون وظائف ایادی امرالله از یک طرف و عدم امکان انتخاب ایادی امرالله از طرف

دیگر تأسیس هیئت مشاورین قاره ای را اراده و بشارت آنرا به عالم بهائوسی ابلاغ فرموده اند و بدین ترتیب یکبار دیگر توسعه پر شکوه نظم بدیع نجات بخش حضرت بهاء الله با تأسیس مشروع جدیدی تحقق یافته است .

بطوری که خوانندگان عزیز با زیارت الواح مقدسه وصایا دریافته اند ایادی امرالله طبق مندرجات آن الواح مبارکه دو وظیفه خطیره بر عهده دارند که یکی تبلیغ و انتشار امرالله و دیگری حفظ وصیانت شریعت الله میباشد . از طرف دیگر بخاطر داریم که طبق نصوص الواح مقدسه وصایا تسمیه و تعیین ایادی امرالله از اختیارات و وظائف حضرت ولی امرالله بوده و پس از صعود آن مولای توانا بیت العدل اعظم پس از مطالعه در آثار و نصوص مبارکه اهل بهاء را به این حقیقت متذکر داشته اند که " برای انتخاب ایادی امرالله یا وضع قوانین باین منظور راهی وجود ندارد " (۱۰) و " بیت - العدل اعظم برای انتصاب افرادی دیگر به سمت ایادی امرالله طریقی نی یابد " (۱۱) .

اکنون بیت العدل اعظم با توجه به این مراتب و حقائق به تأسیس هیئتهای مشاورین قاره ای اقدام فرموده اند تا این هیئت ها بتوانند ایادی امرالله را در اجرای مقاصد و آمالشان کمک و مساعدت نمایند . یقیناً یاران عزیز الهی با مطالعه پیام اخیر بیت العدل اعظم که در همین زمینه شرف صدور یافته بر مطالب مربوط باین مؤسسه بدیعه آگاهی یافته اند ولی نظریه این که این مشروع جدید از نظر نظم اداری بهائی و ارتباط با مؤسسه ایادی امرالله حائز اهمیت فراوان میباشد در این مقام با استفاده از ابلاغیه بیت - العدل اعظم و بجزئیات آوری بیشتر رئوس مسائل را بصورت خلاصه متذکر میگردد :

- ۱ - تعداد هیئت های مشاورین قاره ای که مقدماً تأسیس شده اند یازده میباشد که هر یک در یکی از مناطق ذیل قائم بخدمت خواهند بود .  
شمال غرب آفریقا - آفریقای مرکزی و شرقی - آفریقای جنوبی - آمریکای شمالی - آمریکای مرکزی - آمریکای جنوبی - آسیای غربی - جنوب شرقی آسیا - شمال شرقی آسیا - استرالیا - اروپا .
- ۲ - حوزه فعالیت هر یک از هیئت های مشاورین قاره ای از طرف بیت العدل اعظم تعیین و ابلاغ گردیده است . هیئت مشاورین قاره ای که ایران در منطقه فعالیت آن قرار گرفته هیئت مشاورین آسیای غربی است .
- ۳ - اعضای این هیئت ها در یک دوره یا بیشتر خدمت خواهند کرد .
- ۴ - مدت خدمت اعضای هیئت مشاورین قاره ای بعداً از طرف بیت العدل اعظم تعیین خواهد شد .
- ۵ - اعضای هیئت های مشاورین قاره ای تا وقتی که در این سمت

..... گسترش جدید .....

خدمت می‌کنند نمیتوانند به عضویت محافل روحانیه ملیه و محلیه انتخاب گردند .  
۶ - از هر يك از هیئت های مشاورین قاره ای يك نفر بعنوان امین صندوق منطقه مربوطه تعیین گردیده است .  
۷ - وظائف مؤسسه مشاورین قاره ای عبارت است از :  
الف - راهنمایی هیئت های معاونت ایادی در حوزه مربوطه .  
ب - مشورت و تشريك مساعی با محافل روحانیه ملیه .  
ج - مطلع ساختن بیت العدل اعظم و ایادی امرالله از اوضاع و موقعیت امرالله در منطقه مربوطه .  
د - اقدام در باره تعیین یا تغییر اعضای هیئت های معاونت ایادی بعد از مشورت با ایادی امرالله که قبلا در قاره یا منطقه مربوطه تعیین شده اند .

۸ - ایادی امرالله با هیئت های مشاورین قاره ای و محافل روحانیه ملیه در مورد مسائلی که مربوط به مصالح امرالله است مشورت خواهند نمود .  
۹ - حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس بعنوان رابط بین بیت العدل اعظم و هیئت های مشاورین قاره ای عمل خواهند کرد .  
بدین ترتیب ملاحظه میشود هیئت های مشاورین قاره ای با خدماتی که بر عهده ایشان قرار گرفته مخصوصا با اداره و راهنمایی هیئت های معاونت که تا کنون بر عهده ایادی امرالله بود خواهند توانست ایادی امرالله را مساعدت و معاضدت نمایند و در نتیجه حضرات ایادی امرالله موفق خواهند شد که طبق پیام بیت العدل اعظم " با فراغت از اداره هیئت های معاونت ... قوای خود را در جهت اجراء مسئولیت های اساسی خود یعنی صیانت و تبلیغ امرالله و حفظ سلامت روحانی جوامع بهائی و تقویت بنیه ایمانی یاران در سراسر عالم مصرف دارند ... تا الهامات روحانیه از حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله با شدتی بیشتر در سراسر عالم انتشار یابد " (۱۲)

در خاتمه چه خوب است کلمات مسرت انگیز و امیدبخشی را که پیام دیوان عدل اعظم الهی بآنها ختم میشود بیاد آورده در ادعیه خالصانه با آن مقام منبع همراز و هم آهنگ شویم :

" با قلمی طافح از مسرت گسترش جدید نظم اداری حضرت بهاء الله را اعلان میکنیم و همراه با یاران در شرق و غرب عالم به درگاه حضرتش دست تضرع و دعا بلند مینمائیم و طلب تائید مستمر برای مجهودات بندگانی میکنیم که برای صیانت و انتشار امرش تلاش میکنند "

---

( ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ) ترجمه پیام بیت العدل اعظم مورخه ۲۴ جون ۱۹۶۸ ( ۲ ) - توفیق منبع دور بهائسی ( ۵ و ۶ ) توفیق مبارک اکتبر ۱۹۵۷ - ( ۷ ) پیام بیت العدل اعظم مورخه ۷ ص ۱۹۶۳ - ( ۸ و ۹ و ۱۰ ) پیام بیت العدل اعظم مورخه نوامبر ۱۹۶۴



سُگونی

# جهال اقدس ابرہی

بہ عکما

نقل از کتاب تہن بیع

پارہ ای از الواح شدید اللحنی کہ در اواخر ایام از قلم مبارک نازل گردیدہ و همچنین وقف بر عدم ثبات امور مملکت و ایاب و ذہاب مستمر زائرین بہ ارض سر و انتشار گزارشات مبالغہ آمیز فریاد پاشا در سرکشہای اخیر وی بہ نقاط مختلفہ مملکت کلا موجب مزید وحشت و دہشت مقامات عالیہ و مراجع رسمہ حکومت گردید نامہ ہمای شکوائیہ و استرحام آمیز ناعی اعظم نیز کہ وسیلہ محمد نمایندہ اوبہ بلب عالی و مقامات دیگر ارسال میشد بر آشفتگی اوضاع وی افزودہ در خلال احوال مکاتیب بی امضای ہم از طرف سید مذکور و یکی از معاونش بنام آقا جان بیک کہ در توخانہ ترک خدمت میکرد بہ اولیای امور وی رسید در آن مکاتیب الواح مبارک را تعبیر و تفسیر نمودہ چنان جلسہ وی دادند کہ حضرت بہا اللہ با رؤسای سازماداران

دشمنان دیرین کہ چندی صمت و سکوت اختیار نمودہ بودند در اثر این شدائد و محن کہ جمال کبریا را از ہر جهت احاطہ نمودہ بود قدرت و قوت یافتند و بار دیگر لوای مخالفت برافراشتند و بغض و عنادی را کہ در قلوبشان مکتم داشتند آشکار نمودند .

از طرف دیگر احترامات و تکریمات عظیمہ بذولہ نسبت بہ ہیگی مبارک از جانب والی محمد پاشا قبرسی صدر اعظم سابق آن دولت و جانشینان وی سلیمان پاشا از فرقہ قادریہ و بالاخص خورشید پاشا کہ بدفعات مکرری پردہ و ستر بہ بیت مبارک مشرف و ہیگی اقدس را در ایام رمضان پذیرائی نمودہ و نہایت اخلاص و ارادت نسبت بہ حضرت عبدالہا ابراز میداشت اولیای امور عثمانی ساخت خشمگین و متغیر ساخت . استحضار بر مندرجات



اصحاب چون نام خویش را در فهرست همراهان مبارک نیافت و خود را از مصاحبت محبوب ممنوع مشاهده نمود از کثرت تأثیر بر آشفته و با تیغی حلقم خویش را برید ولی قبل از آنکه به قطع حیات مؤفق گردد او را از انجام این منظوم بازداشتند . جمال اقدس ابی در لوح رئیس میفرماید قوله جل ثناءه " فدی احد من الاحبایا بنفسه و قطع حنجره بیده حیا لله هذا مالا - سمعنا من قرون الاولین هذا ما اختصه الله بهذا الظهور اظهارا لقدرته " .

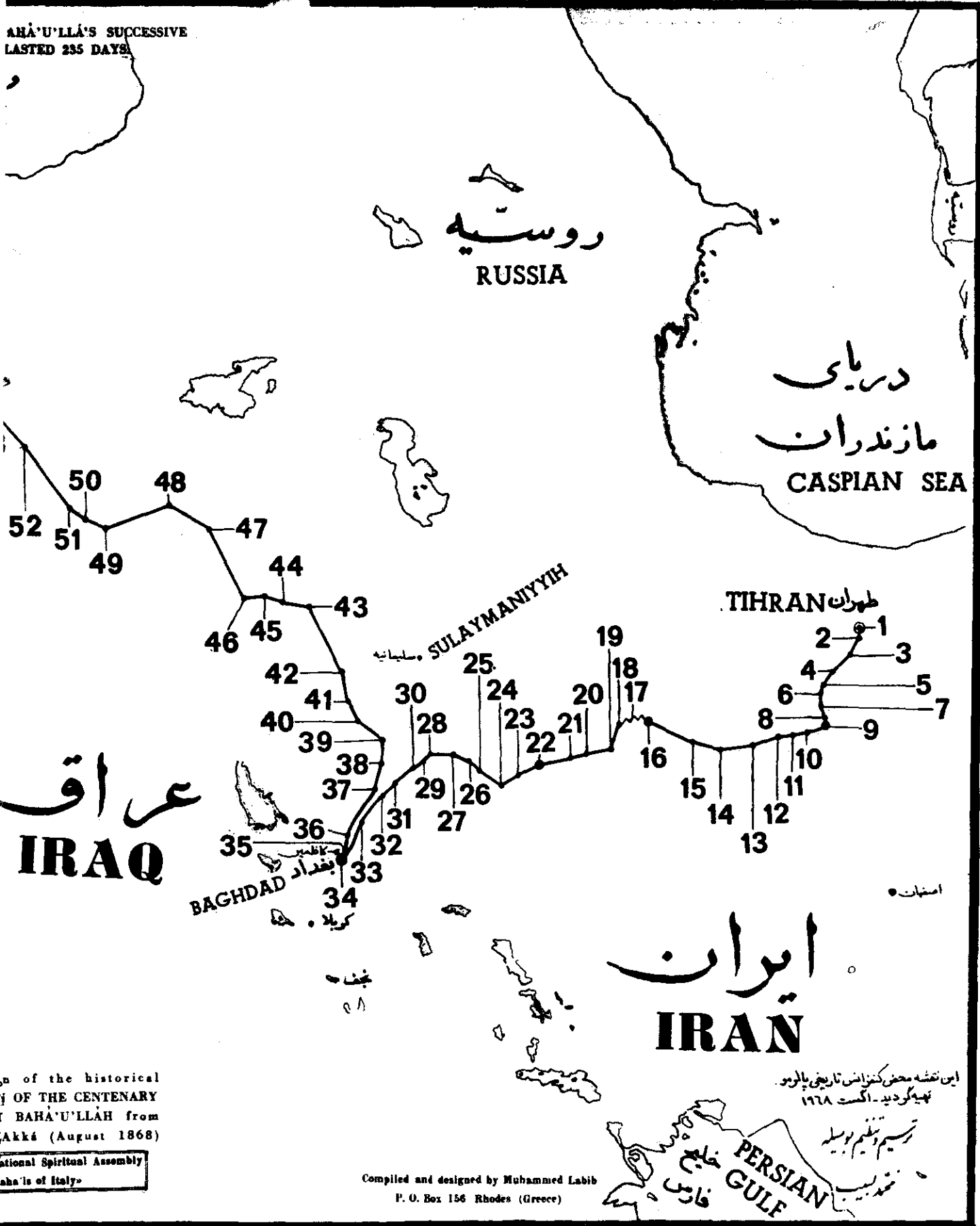
پس از ابلاغ فرمان در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ هجری ( مطابق با ۱۲ اوت ۱۸۶۸ میلادی ) جمال اقدس ابی و عائله مبارکه به همراه افسری ترك بنام حسن افندی با عده ای عسکر که از طرف حکومت تعیین شده بود بجانب گالیپولی عزیمت فرمودند این سفر چهار روز بطل انجامید و درین راه در نقاط اوزون کوبر و کاشانه توقف بعمل آمد و لوح مبارک رئیس در محل اخیر نازل گردید یکی از نفوس که شاهد و ناظر وقایع یوم حرکت بوده مینویسد " مردم ناحیه ای که حضرت بها" الله در آنجا سکونت داشتند با اهالی محال مجاور یکی بعد از دیگری برای عرض تودیع مجتمع شدند و با حزن و الم دست و دامان مبارک رامیبوسیدند و از عزیمت هیکل اطهر اظهار نهایت حسرت و اسف مینمودند آن روز هنگامه فریبی بود گوئی در دیوار از فرقت جمال مختار در نوحه و زاری و ندبسه و بی قراری بود " .

دیگری مینویسد " در آن یوم جم غیری از مسلمین و نصاری در اطراف بیت مبارک مجتمع شده بودند ساعت جدائی ساعت پر هیجانی بود اکثر حاضرین با ناله و حنین همدم و قرین بودند مخصوصا ملت روح در نهایت تأثر و تحسر مشاهده می شدند . حضرت بها" الله بنفسه المقدس در لوح رئیس میفرمایند " قل قد خرج الغلام من

هذا الدیار و اودع تحت کس شجر و حجر و دیعه سوف یخرجها الله بالحق " . چند تن از اصحاب نیز که مستقیما از اسلا مبول گسیل شده بودند در گالیپولی انتظار رکاب مبارک را داشتند . طلعت عظمت به مجرد ورود خطاب به حسن افندی مذکور که پس از انجام مأموریت از حضور مبارک اجازه مرخصی میخواست فرمودند به سلطان بگو این ارض از ایادی تو خارج خواهد شد و امورش منقلب خواهد گردید . آقا رضا که حوادث سفر را ضبط نموده مینویسد " پس از این بیان حضرت بها" الله فرمودند این گفته من نیست این کلام الهی است که بانها خطاب میکند در آن لحظات از لسان قدرت ایاتی بشدت نازل که صوت مبارک در طبقه یائین استماع میگردد و با چنان هیمنه و عظمتی ادا میشد که گوئی ارکان بیت به لرزه در می آمد " .

جمال قدم جل اسمه الاعظم سه شب در گالیپولی توقف فرمودند ولی احدی از منفای آن طلعت احدیه خبر نداشت بعضی فکر میکردند که آن وجود اقدس و اخوان مبارک را به يك نقطه و دیگران را متفرق و بنقاط اخری تبعید نمایند بعضی دیگر را عقیده بر آن بود که اصحاب و احباب را به ایران معاودت خواهند داد و جمعی را تصور چنان که در امحاء و قلع و قمع آنان میسادت خواهند نمود اما قرار اولید حکومت آن بود که جمال مبارک و جناب کلیم و جناب میرزا محمد قلی را با يك نفر ملازم به عکا اعزام و بقیه را به اسلا مبول روانه نمایند این حکم که موجب جزع و فرج اصحاب و تأثرات لانهایه مهاجرین گردید در اثر مقاومت و پافشاری مبارک و وساطت عمر اقتدی میر آلی که مأمور اعزام مهاجرین بسید لغو گردید و سپس قرار بر این شد که جمیع مهاجرین که عددشان قریب هفتاد نفر بود بمعیت هیکل مبارک به عکا تبعید شوند ولی

BAHÁ'U'LLÁH'S SUCCESSIVE  
LASTED 235 DAYS



Part of the historical  
PILGRIMAGES  
OF THE CENTENARY  
OF BAHÁ'U'LLÁH from  
Akká (August 1868)

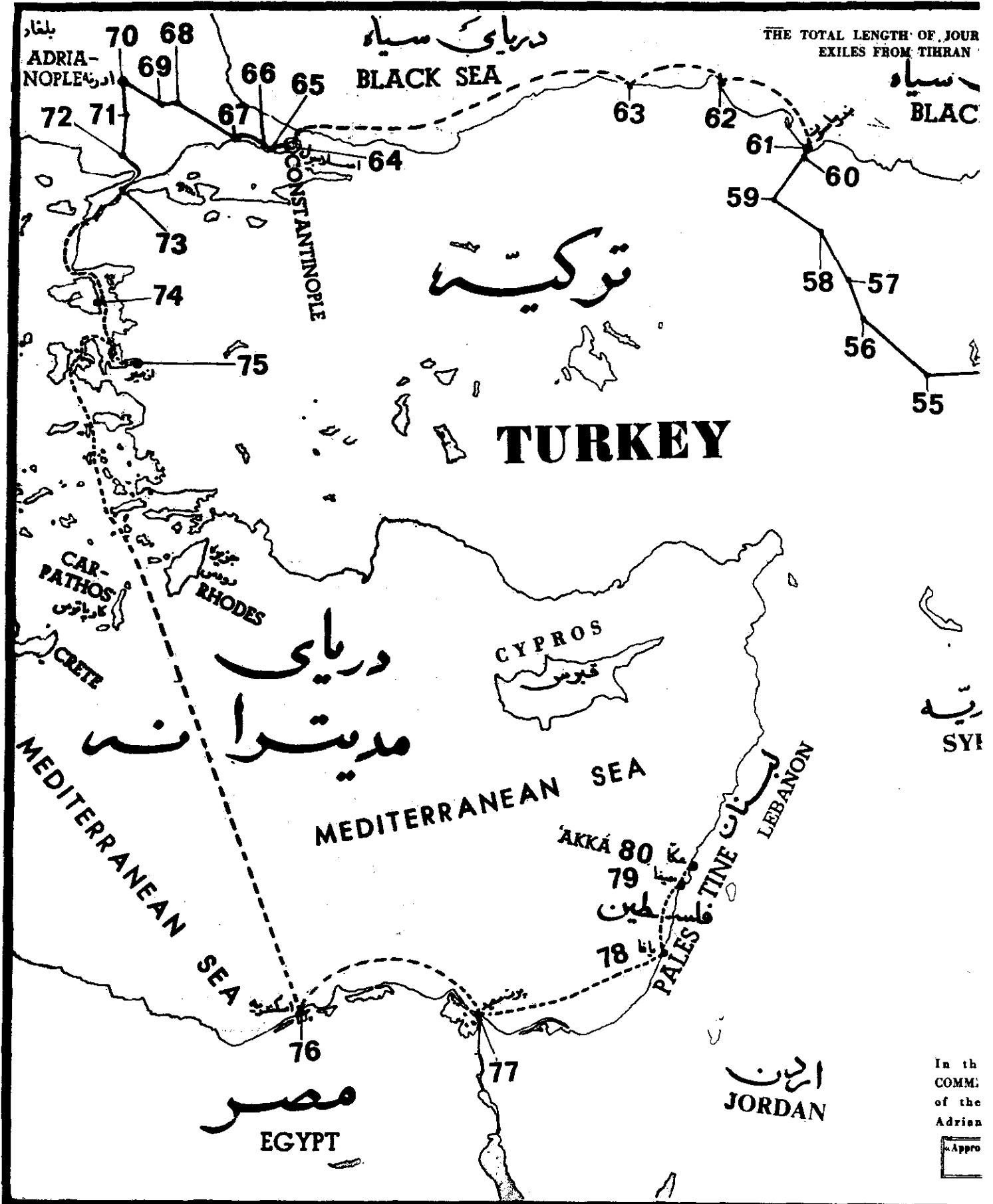
National Spiritual Assembly  
Bahá'ís of Italy

Compiled and designed by Muhammed Labib  
P. O. Box 156 Rhodes (Greece)

این نقشه محض کنفرانس تاریخی بالرو  
تهیه گردید - اگست ۱۹۶۸

تقسیم و تنظیم بودیل  
محمد لیب

THE TOTAL LENGTH OF YOUR EXILES FROM TEHRAN



In the  
 COMM.  
 of the  
 Adrien  
 Appro

در دقائق اخیر دستبر مجددی از یلب عالی واصل گردید مبنی بر این که بعضی از اتباع میرزا یحیی از جمله سید محمد و آقا جان بیک به عکاروانه شده و چهار نفر از اصحاب حضرت بهاء الله با ازیلیها به قبرس فرستاده شوند .

هنگام عزیمت از گالیپولی هیکل اطهر را بنحوی مخاطرات و مصائب احاطه نموده بود که خطاب به اصحاب فرمودند این سفر بجز سفرهای سابق است هر کس خود را مستعد مواجهه با بلایای آتیه و خطرات محتومه مقدره نمی یابد بهتر آن است که از هم اکنون به هر طرف که مایل باشد حرکت کند و از امتحانات و بلیسات محفوظ ماند زیرا بعدا برای احدی امکان رهائی متصور نیست . ولی دوستان و طائفین حول جمال رحمن کلا بآنچه مشیت الهی و اراده مطلقه سبحانی بدان تعلق گرفته بود تفویض شدند و قبول هر بلائی را بر ابعلائی به حرقت و فرقت آن طلعت احدیه ترجیح دادند .

صبح دوم جمادی الاولی ۱۲۸۵ هجری ( مطابق با ۲۱ اوت ۱۸۶۸ میلادی ) سفینه حاملی مهاجرین که به یک شرکت اطیشی تعلق داشت بجاناب اسکندریه حرکت نمود و در مدلی مختصرا متوقف گردید و در روز دراز میر لنگر انداخت .

در این محل جناب منیر ملقب به اسم الله المنیب به مرض شدید مبتلا و بکمال اندوه و حسرت در توانخانه ای بستری شد و پس از چندی روح پاکش به افق اعلی صعود نمود و در محفل تجلی غرق انوار گردید .

در اسکندریه مهاجرین به سفینه دیگری که متعلق به همان شرکت بود منتقل گردیدند و آن سفینه پس از توقف مختصر در پرت سعید و یافا بجاناب حیفا رهسپار شد و در این مدینه

مهاجرین از کشتی پیاده شدند و چند ساعت بعد به وسیله یک کشتی شرعی به جانب عکا حرکت نمودند و بعد از ظهریم ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۸۵ هجری ( مطابق با ۳۱ اوت ۱۸۶۸ میلادی ) به شهر اخیر ورود نمودند .

در همان لحظه که حضرت بهاء الله به قصد توجه به جانب اسکله حیفا قدم در قلیسک گذاشتند جناب آقا عبد الغفار یکی از نفوس اولیه ای که در عداد همراهان میرزا یحیی معین شده بود و لسان مکرم و عنایت در حق اوبسه بیان :

" فیا روحا من حبه و انقطاعه و توکلک و استقامته " ناطق از کثرت نومیدی و حرمان از ساحت اقدس ملیک منان یا بهاء الابھسی گویان خود را از عرشه کشتی به بحر انداخت ولی قورا آن غریق دریای محبت را اخذ نمودند و پس از آنکه به زحمت زیاد به حال آمدن رسیدند قسی القلب او را به ادامه سفر با قطب شقاق و اتباعش ملزم ساختند و بعنف و جبر به محل مقرر یعنی قبرس روانه نمودند . ( ۱ )

---

۱ - ترجمه فارسی کتاب God Passes By که به قلم مولای حنون حضرت ولی امرالله در تاریخ امر نگاشته شده است .

# خطرات بسیزیندر از وقایع ایام سرگودزه مبارک

ترجمه و تفسیر از کتابشیراز محمد

فرمود که بعد از هشتاد و یک روز صدمات و رنجهای من پایان خواهد یافت . آن روزی که از طبقه پائین زندان به طبقه بالا منتقل شدم درست هشتاد و یک روز بعد از آن خواب بود . نزدیک غروب به بالای بام زندان رفتم در آنجا بنشینم تماشای مردی که از آن حدود می گذشتند مشغول شدم بکمال تعجب در بین جمعیت آقا محمد ابراهیم را که یکی از خدام حضرت بها<sup>ع</sup> الله بود دیدم و برای خرید ما یحتاج سفرازگشتی پیاده شده بود و یک نفر مراقب هم با او همراه بود به محض اینکه چشم بدو افتاد وی راصدا زدم و گفتم " بیا بالا بیا بالا " و بالاخره توانست مراقب خود را راضی کند تا به او اجازه دهد که بالای بام به نزد من آید و مراقب هم با وی به بالای بام آمد .

آقا محمد ابراهیم بمن گفت که حضرت بها<sup>ع</sup> الله و عائله مبارکه و همراهان بار دیگر تبعید شده اند

وقتی محل حبس من ( نبیل ) از شهر قاهره به اسکندریه تغییر یافت مرحوم سیّد حسین توت شریف پاشا از من وساطت کرد که چون من یکی از اتباع دولت عثمانی بودم و کارکنان کنسولگری ایران هیچگونه اختیار قانونی راجع به من نداشتند پس سزاوار نبود که به تحریک آنان زندانی شوم و این عمل ظالمانه بشمار می رفت .

بعد از این گفتگو فوراً مرا از طبقه پائین زندان به طبقه فوقانی منتقل ساختند که هوای تیرتر داشت و در ضمن از کنسولگری ایران دربارهام تحقیقاتی بعمل آمد . در زندان مزبور با یک نفر طبیب مسیحی بنام ( فریس ) آشنا شدم او سعی داشت که مرا به دین مسیح برگرداند و من می کوشیدم وی را به امر بهائی تبلیغ نمایم و سرانجام موفقیت با من بود .

وقتی در زندان شهر قاهره بودم اتفاقاً شبی خوابی دیدم که حضرت بها<sup>ع</sup> الله بمن وعده

چند ساعتی را که در انتظار بازگشت کنستانتین گذراندیم همان جوانی که متقبل شده بود تا پیام مارابه حضور مولا و محبوب ما تقدیم دارد در حالی بیان نیست آن مرد جوان نزد ما آمد در حالی که بسته ای در دست داشت وقتی آن بسته را بما داد فریاد برآورد " بخدا سوگند اب سماهی مسیح را زیارت کردم "

دکتر ( فریس ) که از شدت شوق اشک از دو دیده اش روان بود کنستانتین را در آغوش کشید و دو دیده اش را بوسید همان دیدگانی که جمال محبوب را زیارت کرده بود . رو بود و کمر و گت :

" ای جوان سهم ما حضرت سوزان زیارت جمال یزدان و پدر فراق و حرمان بود ولی قسمت توفضل و موهبت تشرف به حضور جمال مبارک . "

بسته مزبور شامل يك دستمال محتوی لوحی بخط مبارک حضرت بها<sup>۱</sup> الله به افتخار من بود و نیز نامه ای از غضن اعظم حضرت عبدالبها<sup>۲</sup> و بسته ای شیرینی که غضن اطهر فرستاده بودند .

در لوحی که به افتخار نبیل بود حضرت بها<sup>۱</sup> الله مشول دکتر فریس را اجابت فرموده در جواب به دکتر اطمینان داده بودند که علی رغم بدخواهی دشمنان وی عنقریب از زندان آزاد خواهد شد . طبق وعده مبارک در روز سوم بعد از وصول این لوح دکتر فریس از زندان استخلاص یافت و بعد مو<sup>۳</sup> منی فداکار شد و به انتشار امرالله در بیسن مسیحیان پرداخت . یکی از همراهان نامه ای کوتاه برایشان نوشته و در آن توضیح داده بود که کنستانتین بی هیچ اشکال و زحمتی اذن حضور یافت و عریض ما را نیز تقدیم حضور نمود .

در جواب عریضه ما حضرت بها<sup>۱</sup> الله فوراً لوحی نازل میفرمایند و قاصد را بحضور طلبید مورد شفقت و محبت قرار میدهند و وی را حامل لوح میفرمایند . بعد از مدتی من ( نبیل ) به

و محل سرگونی قلعه ای است در عکا و اکنون در مسیر راه بسوی سجن اعظم هستند . مراقبید و اجازه نداد تا بیشتر از این با من صحبت کند . ولی قبل از آنکه از من جدا شود قول داد که وقتی به کشتی باز میگردد در محضر اقدس از من یاد خواهد کرد . از شرح این واقعه سخت اندوهگین و پریشان خاطر شدم بعد از چند لحظه دکتر ( فریس ) آمد و مرا پریشان و آشفته حال دید . قبلاً خوابم را برای دکتر تعریف کرده بودم ولی گفتم امروز هشتاد و یکمین روز بعد از آن خواب است در عرض آنکه شاد باشی از همه وقت غمگین تر و پریشان حالتری علت آن چیست ؟

شرح ما وقع را برایش گفتم که محبوب و مولایم هم اکنون در کشتی است و من به هیچ ترتیبی نمیتوانم بحضور مبارک مشرف شوم . از شنیدن این ماجرا دکتر هم غمگین گشت و گفت " اگر فردا جمعه نبود می توانستم ترتیبی دهم که هر دو ما بسر عرشه<sup>۴</sup> کشتی رویم و جمال مبارک را زیارت کنیم " و اضافه کرد " آنچه را که میخواهی به حضور مبارک معروض داری فوراً بنویس ، من سعی خواهم کرد که نامه<sup>۵</sup> تو و نیز نامه<sup>۶</sup> من فردا صبح زود به هر ترتیبی باشد به حضور مبارک تسلیم گردد . جوانی بنام کنستانتین می شناسم که جزو محافظین و مسیحی است که بی شك يك چنین خدمتی را بما انجام خواهد داد "

و آن شب تا صبح خواب به چشم ما نیامد . فردا صبح زود به بالای بام رفتیم تا کشتی را که از دور قابل رؤیت بود زیارت کنیم . بعد از دو ساعت آژیر حرکت کشتی بگوش رسید و کشتی حرکت کرد وقتی دیدیم کشتی بحرکت آمد بر خود لرزیدیم و سخت اندوهگین شدیم که کنستانتین به تسلیم نامه<sup>۷</sup> ما به حضور مبارک موفق نشده است . مجدداً دیدیم کشتی چند دقیقه ای توقف کرد و افسوس که دوباره به حرکت آمد . پریشانی خاطر و رنج جانگسار



درد حاکم احضار شدم . . . بین دستور دادند  
از آنجا دور شوم و اسگدریه را ترک گویم زسرا

بیگت حضور من در مملکت موجب اغتشاش و انقلاب  
خواهد شد .

# چند نکته تاریخی

از وقایع ایام سه گونی

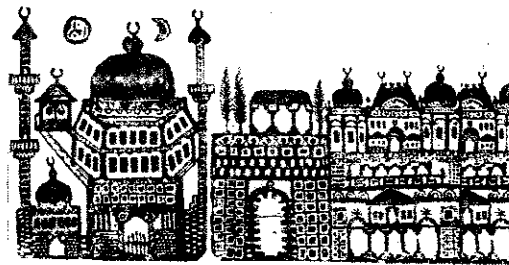
ترجمه و اقتباس از کتاب شماره منتخب

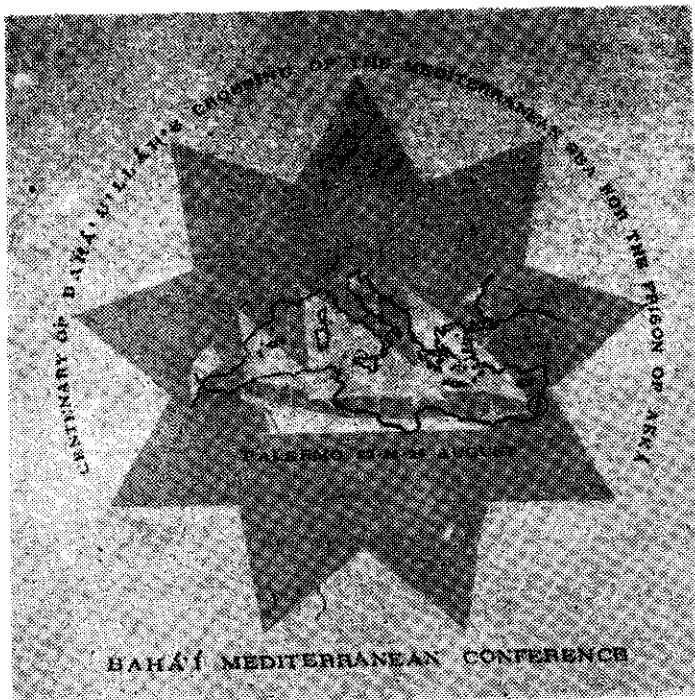
حضرت بهاء الله در اواخر ایام اقامت در ادرنه به تحریک دشمنان داخلی و خارجی دچار صدمات و مشکلات فراوان شدند و فریاد و وحید ماندند و جز غضن اعظم یار و یابوری نداشتند احزان وارده بر جمال مبارک در آن ایام به قلم نبیل ثبت شده است . نبیل بعد از سفر تبلیغی به ایران و عراق به مجرد اینکه وارد ادرنه شد حضرت بهاء الله وی را حامل لوحی برای میرزا موسی ملقب به جناب کلیم نمود که در آن موقع در ازمیر اقامت داشت میرزا موسی بمجرد زیارت لوح اظهار داشت که ایام سختی و بلا نزدیک است لذا به ادرنه شتافت تا هنگام نزول بلا یای قریب الوقوع در محضر اقدس باشد . در آن ایام میرزا یحیی در ادرنه بود و هیمنسه خطابات قلم اعلی وی را مندهش کرده بود علی رغم آن همه توطئه ها علیه جمال اقدس ابهسی

باز این جسامت را یافت که حضور مبارک پیشرفت کند که حضرت بهاء الله در هنگام ارسال پیام به سلطان عثمانی لحن خاضعانه بکار برند در جواب این درخواست حضرت بهاء الله فرمودند که پیام الهی منبع برکات ابدی است و اگر بیایم به شخص پادشاه بفرستند بجز این طریق نخواهد بود . قبل از حرکت حضرت بهاء الله از ادرنه علاوه بر اهالی و بزرگان شهر که اظهار همدردی مینمودند عده ای از نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف اروپا بحضور مبارک مشرف شدند که اگر قبیل فرمایند برای هر نوع کنکی به هیکل مبارک و ملازمین آماده اند . در نهایت عطف همه این تقاضاها را رد کردند و فرمودند که جز از خدا از هیچ کس رفع بلا نخواهد خواست . جمال مبارک بعد از سه شب توقف در گالی یولسی برای نزول اجلال به یک کشتی اطریشی که در

سرزمین موعود روی نمودند در حالی که افسراد احباب همراه وی روان بودند و اطراف آنان را اهالی شهر گرفته بودند پوزخند میزدند و مسخره میکردند بمجرد این که حضرت بها<sup>۱</sup> الله بسه مدخل قشله وارد شدند توقف فرمودند و روپس یاران کرده خاطر نشان ساختند که از آن تاریخ به بعد زندگانی آنان مفهوم و معنای عمیق تری خواهد یافت و خاطره هر قدم از این سرزمین جاودان خواهد شد و آنگاه يك شاخه شکسته که در نزدیک قدم مبارك بر زمین افتاده بود اشاره کرده فرمودند حتی این شاخه شکسته در آینده در شرق و غرب عالم در یادها خواهد ماند و به اهل بیت و یاران تأکید فرمودند که جز اعمال صالح و ایمان راسخ به امر الهی چیزی از خود بروز ندهند تا لایق حیات ابدی شوند .

فاصله ای دور از ساحل لنکراند آخته بود بموسیله چند قایق در معیت ملا زمان به کشتی رسیدند . در بین مسافرین کشتی افراد ایرانی نیز دیده می شدند . حضرت بها<sup>۱</sup> الله با هیچیک صحبتی فرمودند و یگراست به محلی از عرشه که فضائی باز داشت و چند صندلی در آنجا قرار داشت تشریف بردند و به یکی از صندلی ها جالس شدند و به همراهان اذن جلوس فرمودند . حضرت بها<sup>۱</sup> الله و همراهان یازده روز در دریای مدیترانه در حرکت بودند وقتی کشتی وارد حیفا شد اجازه يك توقف کوتاه چند ساعتی داده شد که بعد از آن حضرت بها<sup>۱</sup> الله و همراهان مسوار يك کشتی شرعی کوچک شدند . نسیمی نئی وزید گرما طاقت فرسا بود و در مقابل اشعه سوزان آفتاب سایه بانی نداشتند و این آخرین مرحله این سفر بود . هیگل عظمت از کشتی پیاده شدند و از دروازه گذشتند و بسوی قشله عکا سجن اعظم





# کنفرانس پالرمو

ترجمه مهندس پوشتک نصیبی

خالی و حالت انتظاری حکمفرما است . در محوطه خیابان اعضای کمیسیونها مشغول صحبت و مترجمین سرگرم مشاوره اند . مأمورین برق در فعالیت اند و فیلم برداران - مقدار روشنائی و رنگهارا میسنجند در کنار درختان اطراف بنا دوستان شرق و غرب گروه مؤمنین که در اولین کنفرانس بین اقیانوسها شرکت نموده اند در زیر آفتاب پر مهر شهر یورما ، سیمیل که با باد خنک شمال معتدل گردیده به ملاقات و مذاکره مشغول میباشند .

گرد و خاک میگردد . در انتهای شرقی سالن اسم اعظم با خطی سیاه بر روی صفحه ای سفید منقوش گردیده و چون نقشی برجسته بر زمینه ای ساده از همان کشف خاکی رنگ بنظر میرسد . کرسی خطاب به با رنگ سبز درختستان که رمی از سیادت حضرت بساط میباشد پوشیده شده و در اطراف صحنه گیاهان و نهالهای جوان و گلهای گلایل قرمز که علامتسی از خون شهیدان امر میباشد قرار دارد . همه جا ساکت همه جا

بیش از یکصد و بیست چراغ مهتابی از سقف نقره‌ای آویخته بود که با تاریک شدن هوا روشن میگردد . قریب سه هزار صندلی چوبی در ردیف های ۳۲ تایی با فواصل زیاد در طول سالن طویل تابستانی نمایشگاه مدیترانه در پالرمو پایتخت سسیل چیده شده بود . این سالن بسیار دلگشا و با روح است زیرا پنجره های آن قسمتی باز گذاشته شده و فواصل آن بانوارهای پهن کفی پوشیده شده و بدینطریق محوطه داخلی را تا حدی از اشعه آفتاب محفوظ میدارد و تا اندازه ای مانع ورود

..... کفرانس بالرمو .....

برای عده ای چشمن  
یاران آلاسکا و نروژ این هوا بسیار  
گرم و برای جمعی از یاران افریقا  
و عربستان سرد است . عشق  
الهی حرارت و روشنی بخش این  
یم بدیع میباشد . یومی که برای  
ساکتین سواحل مدیترانه که از  
امرالله تا کتوبن بی اطلاع مانده ا  
فی الحقیقه یم روحانی جدیدی  
بشمار میآید .

در روی ایوان در محفل  
پذیرائی سکوت برقرار است . همه  
با آرامی صحبت میکنند وعهد های  
دوستی را که طی سالهای گذشته  
بسته شده تجدید مینمایند .  
سالهای مهاجرت و خدمت در  
قارات و سواحل مختلف عالم .

آشنا نشده اند و با آهستگی بسا  
دسته خود و هموطنان خویش  
گفتگو مینمایند .

هیجان فرو نشست  
و همه بجانب سالن انتظار و  
چهره های درخشانی که روی  
صحنه قرار گرفته اند و خطسوط  
زیبای اسم اعظم که با جلال  
فراوان بالای سر آنان قرار گرفته  
متوجه گردیدند .

صندلی های آرام و سی  
حرکت به حیات و حرکت افتادند .  
و بر روی آن وجوه نورانی بسا  
چشمهای مشتاق نمودار گردید .  
خنده خنده های حقیقی  
ملکوتی بسمع میرسید مگر نه  
این است که معاشرت با احبای

بها الله فرموده اند من اراد  
ان یأنس مع الله فلیأنس مع  
احیاته .

ما با تمام وجود خویش  
و با نیروی ایمان و عقیده در حضور  
سه هیکل مقدس امرالهی و در  
برابر محبوب کیو قلب حضرت  
شوقی افندی ولی امرالله که  
ما را راهنمایی فرموده اند قرار  
گرفته ایم .

ضیافت پنجشنبه

سر و صدای صحبت و  
سلام و تعارفات حتی در لحظات  
اعلام مطالب مهم هم چندان  
کم نمیشد و فقط پس از آغاز  
قسمت روحانی سکوت برقرار  
الواح یکی  
از بیانتهای



مختلف تلاوت گردید . بسرای  
مناجات و دعا شش زبان ایتالیایی  
و فارسی و انگلیسی و اسپانیایی  
و آلمانی و فرانسه انتخاب  
گردیده بود . این زبانها بسا  
سر نوشت قاره ای که تحت نظر  
مستقیم بیت العدل اعظم قرار  
گرفته ارتباط دائم و نزدیک  
دارد .

رئیس جلسه ویلیام ماکسول  
عضو هیئت معاونت افریقا بود  
پروفسور بوزانی رئیس محفل  
روحانی ملی ایتالیا میزبان  
دقیق و مهربان طی بیاناتی  
موجز و جالب اظهار داشتند  
صد سال قبل حضرت بها<sup>۱</sup> الله  
خود زندانی دولت عثمانی  
بودند و هنوز دنیا ایشان را  
شناخته بود امرالله در تاریکی  
و مو<sup>۲</sup> مینی که در سواحل این  
دریا ( مدیترانه ) زندگی میکردند  
جمعی شریکان اسیر ظلم و شکنجه  
بودند ولی امروز از همه نقاط  
عالم از زنانه جدید نپسال  
جزائر ویزوین مکزیک و جزائر  
فالکلند از دور و نزدیک جمعی  
کثیر در ظل شجره امرالله گرد  
آمده اند .

پروفسور بوزانی تأکيدات  
حضرت ولی محبوب امرالله را  
خطاب به اولین کنفرانس بین  
القارات استکھلم در سال  
۱۹۵۳ - پانزده سال قبل  
نقل نمودند و پیش بینی آن

حضرت را که اروپا قاره ای پر  
بار و ثمر روحانی خواهد گردید  
بخاطر آوردند و گفتند ما اینک  
آن میوه های زنده ای هستیم  
که در اثر توجهات پر مهر و  
عطوفت و عشق و هدایت خلیل  
نایدیر آن حضرت بوجود آمدیم  
در هنگام انعقاد

ضيافت نام ۱۷۶۲ نفر از ۶۲  
مملکت به ثبت رسیده بود .

اخبار در اجتماعات امری چون  
نعم در تابستان بسرعت منتشر  
میشود . در هنگامی که تعداد  
شرکت کنندگان با اطلاع میرسید  
بطور آهسته همه مطلع شدند  
ایادی امرالله جناب ویلیام  
سیرز که قرار بود نطق ایراد  
نمایند تأخیر کرده اند ایشان  
در راه بودند از رم حرکت  
کرده ولی هنوز بسالن کنفرانس  
نرسیده بودند . ویلیام مکسول  
و نیل برادی بخواندن اسامی  
ممالک و تعداد شرکت کنندگان  
مشغول بودند و تقاضا میکردند  
شرکت کنندگان هر مملکت  
هنگامی که نام آن مملکت  
خوانده میشود قیام نمایند  
تا همه سعادت دیدار -

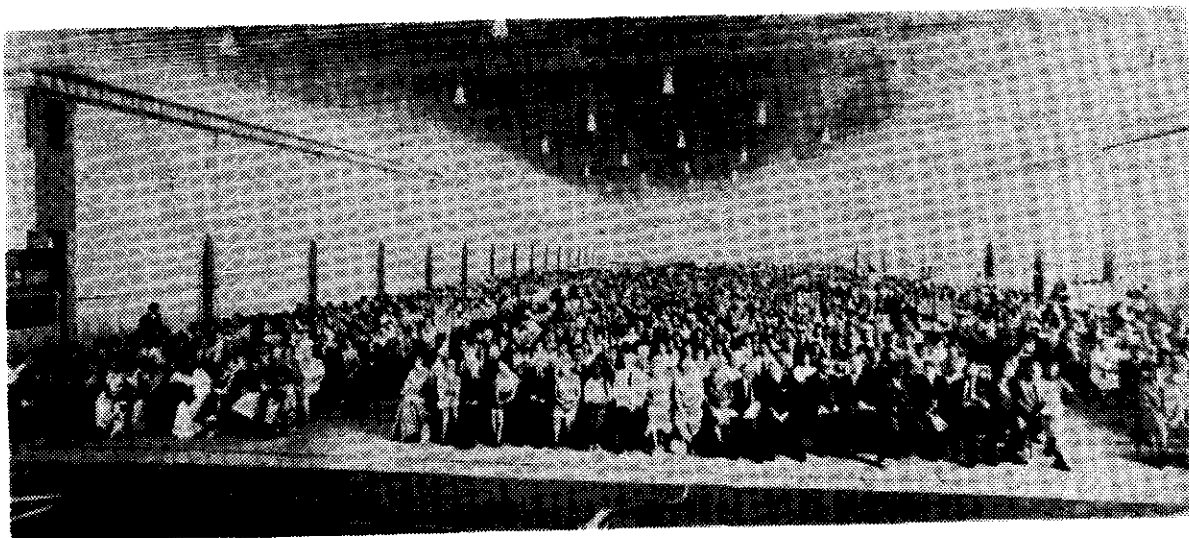
دسته های کوچک و بزرگ  
احبا<sup>۳</sup> و بومیان بهائی سواحل  
بعیده را داشته باشند که از  
میان دریای موج حاضرین  
بر میخواستند . دقایق و لحظات  
ما بسرعت در مرور بود . گاهی

نوای موسیقی کوتاهی بر میخواست و  
صدای آواری توأم با بانگ  
طبل احبای الجزیره بگوش  
میرسید که بسادگی و با قوت  
همه را بتوجه و ایمان و عمل  
دعوت مینمود روحی بر این  
جلسه حکفرما بود که همه را  
به قیام و خدمت میخواند و این  
روح از همه کلماتی که اعلام  
میکردید و حتی از نفس احبا<sup>۴</sup>  
استشمام میشد . این روح در  
تمام مدت کنفرانس و در همه  
جلسات احساس میکردید .

ویلیام سیرز از زبده های  
صحنه با سرعت و اشتیاق تمام  
بالا رفتند و اظهار داشتند که  
حتی فرصت تعویض لباس و  
اصلاح نداشته اند . سرعت  
عمل وقت شناسی و خضوع  
از صفات ایادی امرالله است  
همین صفات بود که جناب سیرز  
را به محض استماع دستور  
مبارک حضرت ولی امرالله بسه  
جانب افریقا روانه ساخت و حال  
نیز ایشان را از فرودگاه مستقیماً  
به سالن کنفرانس کشانید .

جناب ویلیام سیرز با  
مهارت کامل مستمعین را هم  
آرام نمودند و هم به هیجان  
آوردند و مطالبی را متذکر  
گردیدند که رؤس آن بدین  
قرار بود :

ملا<sup>۵</sup> اعلی در فضای  
این کنفرانس بی مانسدر



مظنه عمومي يکي از جلسات کنفرانس پالرمو

پروازند .

قصور ما در ۱۲۵ سال گذشته قصور از پاسخ شایسته به ندای الهی بوده است . باید خود را لایق شرکت در این سعادت نمائیم و فکر کنیم بکجا مهاجرت کنیم . در باره این شب فکر میکنم همه اهل عالم باین کنفرانس دعوت شدند ولی اجابت نمودند و تنها شما این دعوت را قبول کردید . آنگاه شمه ای از نبوات در باره یوم الله - رجعت - کرمسل و عکا شهری که تعداد کبیری

از این کنفرانس بدانجا خواهند رفت و آثار اقدام هیاکل مقدسه را در آنجا مشاهده خواهند کرد بیان نمودند . از کرمل مرکز نبوات به سلاطین و حکام توجه نمودند حکامی که محو و نابود گردیده اند بعد توجه به حضار و سپس تأسیس نظم اداری و حلول قرن ذهی امرالله نمودند و یادآوری کردند که این فرصت دیگر بدست نخواهد آمد و فرمودند ملکوت از آن خداست . پذیرائی جلسه ضیافت به ساده ترین وجهی برگزار

کردید . نوشابه خنک یابستنی که از محل پذیرائی خارج از - سالن دریافت میگردد . ساعت دیر بود و جلسه چندان طول نکشید . مبهوت در حال هیجان مجذوب و مستغرق در خیال بجانب اتوبوسها که در انتظار ما بود حرکت و به هتل مراجعت نمودیم در حالی که در فکر عمیقی فرو رفته بودیم .

صبح جمعه

این روز روز شروع رسمی کنفرانس بود و جناب چارلز ایواس عضو هیئت معاونت

اسپانیا رئیس جلسه بودند .  
 جمعیت بیشتر روح ها آرامتر  
 و احساس وحدت و ضعف  
 عمیق تر بود .  
 در قرآن شریف آمده است  
 "فاتمناها بعشر" جشمهای ما  
 به ده نضرایابی امرالله که بر  
 روی صحنه مجتمع بودند دخته  
 شده بود . دکتر یوگو جیاگوری  
 که اصلا از اهل سیسیل میباشد  
 نمایندگی بیت العدل اعظم  
 را در کنفرانس داشتند در کنار  
 ایشان ایادی امرالله از چهار  
 قاره و از قلب کره ارض قرار  
 گرفته بودند .  
 از مرکز جهانی جناب فیضی و  
 جناب فروتن و جناب هنی .  
 از اروپا جناب فراین و جناب  
 مولشلگل .  
 از امریکا جناب خادم و جناب  
 سیرز .  
 از افریقا جناب الینگا .  
 از آسیا جناب مهاجر .  
 اول مناجاتی از حضرت  
 عبدالبها به لسان عربی  
 تلاوت گردید سپس ایادی  
 امرالله رسماً توسط جناب دکتر  
 جیاگری به حاضرین معرفی  
 گردیدند . فقط در این جلسه  
 ایادی امرالله تا آخر بر روی  
 صحنه باقی ماندند .  
 دکتر جیاگری خیر مقدمی از  
 طرف بیت العدل اعظم بیان  
 و پیام آن هیئت را خطاب به

کنفرانس قرائت نمودند و اظهار  
 داشتند در این اولین کنفرانس  
 بهائی بین اقیانوسها ماحوالتی  
 رابخاطر میآوریم که بی مثیل  
 و مانند است . تأییدات و الطافی  
 را بیاد می آوریم که بر اجبای  
 الهی در همه عالم نازل گردیده  
 تا چون هیگل واحد قیام نمایند  
 و همه مشکلاتی را که در راه  
 پیشرفت امرالله قرار گرفته بر  
 طرف نمایند .  
 سکوت شدیدی همه را فرا گرفته  
 بود . چه حالت جذبه و اشتیاق  
 و توجهی آن دریای وجوه نورانی  
 را احاطه نموده بود وقتی  
 ایشان اظهار داشتند " اینک که  
 نقشه به نیمه رسیده پیش  
 از نصف اهداف باقیمانده که  
 باید تحقق پذیرد .  
 در این هنگام تلگرافی از بیت  
 العدل اعظم به کنفرانس واصل  
 گردید که مؤید پیام بود و  
 اهمیت فوق العاده آنرا تأکید  
 مینمود . اعضای بیت العدل  
 اعظم در مقامات متبرکه دعا  
 نموده بودند و مشتاقانه انتظار  
 وصول گزارش اقدامات کنفرانس  
 را در خصوص مهاجرت و تبلیغ  
 و جمع آوری تبرعات داشتند .  
 این تلگراف چون آتشی بود که  
 باعث اشتعال قلوب یاران گردید  
 جناب فروتن با تشریح آن برای  
 یاران مهد امرالله با لحنی محکم  
 و قوی این آتش را شعله ور

ساختند . پروگرام بدون انقطاع  
 ادامه داشت . سلسله حوادثی  
 که بر امواج این دریای بی جزر  
 و مد در یکصد سال پیش حمل  
 گردیده از ذهن اجبای الهی  
 میگذشت .  
 ایادی امرالله جناب فیضی  
 جریان نفی حضرت بها الله  
 را به اراضی مقدسه و معنای  
 آن را تبیین نمودند و با اطمینان  
 و آرای ما را از میان مراحل  
 دهشتناک این سفر که از قرنها  
 قبل پیش گویی شده بود عبور  
 داده لحظات خطیر این  
 سرگذشت را از جمله شهادت  
 منیب در از میر حبس ناگهانی  
 نبیل در اسکندریه - وصول خبر  
 حضور حضرت بها الله در روی  
 کشتی در ساحل اسکندریه با آنان  
 کلمات گستاختن حامل نامه  
 محبوسین که " من خدا و پسر  
 آسمانی را زیارت نمودم " - يك  
 يك را خاطر نشان ساختند .  
 جناب فیضی از اجبائی که  
 با نهایت شهامت و جسارت برای  
 زیارت به عکا مسافرت و در  
 مراجعت برای ارتفاع بنیان  
 امرالله در مهد آن جانشانی  
 مینمودند از سلاطین که  
 " فراموش شده و در دسایس  
 خویش محو گشته اند و نقشه  
 آنان نقش بر آب گردیده " یاد  
 نمودند و نتیجه حرکت دوازده  
 نفر حواریین را از اراضی مقدسه

بخاطر آورده اظهار داشتند حال تصور  
نمائید عزیمت هزاران نفوس از حیفا و هفته  
دیگر چه نتایج بدست خواهد داد .

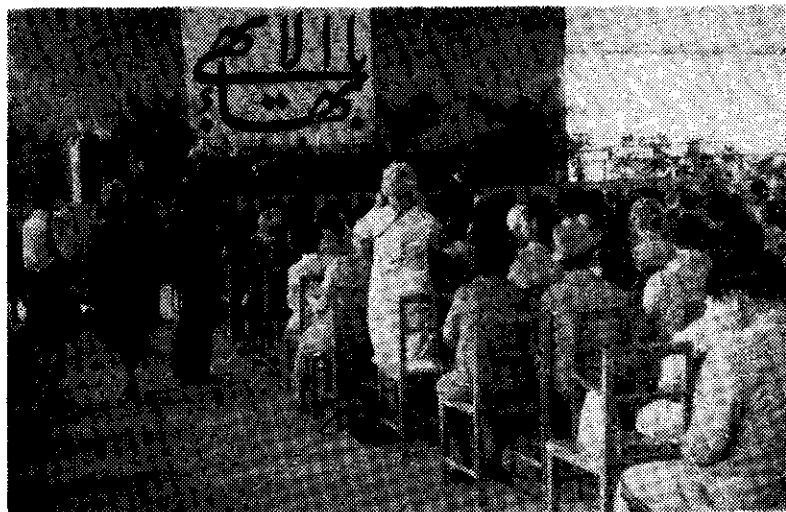
ایشان فرمودند در این هنگام  
که خود را برای رفتن به قلب و مرکز کره  
ارض و عزیمت از آن حاضر مینمائیم باید  
مشقاتی را که حضرت بهاء الله بسرای  
ما تحمل نموده اند بیاد آوریم و خود را  
برای فداکاری آماده سازیم و بسرای  
خدمتی که بلاد رنگ به امرش بایستد  
بنمائیم مصمم گردیم تا اینکه نقشه بسا  
فتوحی نمایان انجام پذیرد .

پس از مدتی درنگ جناب دکتر  
جیاگری اعضای هیئت جدید التاسیس  
مشاورین را معرفی نمودند . مؤسسه ای  
که به یکی از اهداف نقشه نه ساله  
تحقق می بخشد و از جانب بیت العدل  
اعظم تاسیس گردیده تا وظائف ایستاد  
امرالله را درآینده ادامه دهند .

جلسه ملاقات عمومی عصر در  
تاتر پارک در ویلای کاستل نوو تشکیل  
گردید و پروفیسور الکساندر بوزانی رئیس  
محل روحانی ملی ایتالیا بیاناتی در  
خصوص دیانت بهائی و وحدت عالم  
انسانی ایراد نمودند .

#### صبح شنبه

قبل از نطق ایادی امرالله  
جناب پیل هنی در خصوص اظهار امر  
علنی اخبار خوشی واصل گردید .  
شهردار پالرمو روز یکشنبه از عموم  
اعضای کنفرانس برای شرکت در برنامه  
گردش در شهر پس از اولین جلسه  
صبح دعوت نموده بود خبر مسرت آوری





بود و همه داوطلب شرکت در آن بودند به محض آنکه قسمت روحانی پروگرام بیابان رسید استاندار استان پالمو بسالین کنفرانس وارد گردید و جناب دکتر جیاگری مشارالیه را به صحنه کنفرانس هدایت نمودند و یک نسخه از کتاب اعلان امر حضرت بهاء الله را بایشان هدیه کردند. مشارالیه تشکرات خویش را بیان و آرزوی موفقیت برای کنفرانس نمودند و سپس از مدتی توقف و استماع قسمتی از پروگرام برای انجام کارهای رسمی خویش جلسه را ترک کردند.

چند فتح و ظفری و چه معجزه ای در ملکتی کاتولیک در جزیره ای تحت سلطه مافیا این پیش آمد غیر منتظره بسا استقبال عظیمی مواجه گردید برآستی "این یوم یوم وقایع عظیمه است"

اریک بلومنتال رئیس جلسه جناب پل هنی ایادی امرالله را معرفی و ایشان تاریخ و طرز اعلان علنی امر را چنان که در کتاب قد ظهیریم المیعاد و سایر آثار حضرت ولی امرالله بیان گردیده تشریح نمودند و اظهار داشتند ۱۴ نفر از رؤسای دول و سلاطین و حکام قرار است نسخه ای از کتاب اعلان امرالله را دریافت نمایند

۱۰۹ نفر از آنان تا کنون بطور مستقیم یا غیر مستقیم عده ای با نهایت علاقه و جمعی با کمال ادب موفق به دریافت آن گردیده اند و دسته ای فقط وصول آن را اعلام داشته اند جناب پل هنی اظهار داشتند مسلم است رؤسای مزبور رعایای خود را به نظم جهانی حضرت بهاء الله هدایت نخواهند نمود و این وظیفه همچنان بر عهده ما بهائیان باقی خواهد ماند.

درحین که ایشان نطق خود را با نقل بیانات الهی زینت می بخشیدند ناگهان طوفان شدیدی برخاست طوفانی که در این فصل سال در سیمیسی سابقه نداشت گوی این طوفان که علامت قدرت و قوت خدایان قدیم شمرده میشود بر تائید آیات انذار انگیز سورة الطوک قیام نموده بود. قسمت دوم پروگرام گزارش بعضی از محافل ملی راجع به اقدامات در مورد اعلان امر الهی بود. از کانادا یکی از اعضای محفل روحانی آقای توماس آنوکاد که از سرخ پوستان امریکامیباشند آمده بودند و خلاصه ای از گزارش اقداماتی که تا کنون در آن خطه بعمل آمده و آنچه باید بعمل آید بیان داشتند اقداماتی که بتدریج دامنه آن

توسعه یافته و سرعت آن روبه افزایش است. از آمریکا آقای آرتور داهلی امین صندوق محفل ملی امریکا به اطلاع رسانیدند که کسب اعلان امر به فرمانداران ایالات و قضات و نویسندگان داده شده و ۱۰۰۰۰ نسخه برای نفوس مهمه ارسال گردیده است. کنفرانس مطبوعاتی منعقد و جلساتی تشکیلی و پروگرام روز حقوق بشر و برنامه مخصوصی برای جوانان تهیه شده است. همه این اقدامات بسیار خوب تنظیم گردیده بود.

از انگلستان آقای فیلیپ هینسورت اظهار داشت که نظر محفل روحانی ملی انگلستان این است که اعلان امر بایستی به همه طبقات جامعه بشود و تنها به طبقات عالی و تحصیل کرده کافی نیست. مشارالیه اظهار داشت که سال گذشته در مراسم کلیسای وست مینستر از امرالله رسماً نامبرده شده و اخیراً رادیو (بی بی سی) بر اساس سوآل یکی از شنوندگان مصاحبه ای با منشی محفل ملی خانم بتی رسد به خصوص "امر بهائی چیست؟" ترتیب داده بود که در بلفاست ایرلند نیز شنیده شده است. بالاخره نماینده انگلستان

انظار را به سه مسأله ذیل  
جلب نمودند :

۱- توجه بموقعیتهائی  
که بطور معجزه آسا پیش میآید  
و استفاده از آن .

۲- اقداماتی که برای  
اعلان امرالله بعمل می آید باید  
بیشتر جنبه محلی داشته باشد  
و بر اساس فعالیت های محلی  
باید فعالیت های ملی را بنسب  
نمود .

۳- اعلان امر عمومی  
این موهبت نیابتی بعهده  
خاصی اختصاص داده شود بلکه  
همه بدون استثناء باید از امر  
الهی مطلع گردند .

گزارش اقدامات احبای سویس  
بوسیله آقای م . ف . لنز که  
عضویت محفل را نداشتند بیان  
گردید و ضمن صحبت اظهار  
داشتند بیت العدل اعظم  
محافل ملیه معینی را برای  
گزارش اعلان امر انتخاب نموده  
که در آن حکمت روحانی عمیقی  
نهفته است . ضمناً لزوم اعلان  
امر به عمم افراد و اطاعت از  
تشکیلات امری را تأکید نمودند .  
فتوحات امریه در اروپا و نقاط

ضعف آن .

جلسه بعد از ظهر به  
ریاست ایادی امرالله جناب -  
دکتر مولشلگل تشکیل گردید

آقای رنه ارشتاینز منشی لجنه  
مهاجرت اروپا تصویری از وضع  
قاره اروپا ارائه و اظهار  
داشتند هر چند فتوحات امریه  
بسیاری بدست آمده و مهاجرین  
زیادی استقرار یافته اند ولی  
هنوز کارهای بسیاری از جمله  
بعضی اهداف مشکل نقشه مانند  
آلبانی باقی مانده است .

آقای اشتاینر نه تنها احتیاجات  
را بیان مینمودند بلکه طرق  
مهاجرت - قیام و حرکت به  
نقطه مهاجرتی - استقرار و  
استقامت را تشریح مینمودند و  
اشاره نمودند هر چند مسئولیتها  
بسیار سنگین است ولی قبول  
تعهدات نیز بسیار جالب است .  
در تمام مدتی که آقای اشتاینر  
توضیحات خود را ادا میکردند  
نمایندگان لجنه مهاجرت افریقا  
و آسیا نیز بر روی صحنه قرار  
داشتند .

پس از آن نمایندگان محافل روحانی  
ملی اروپا گزارش خود را در خصوص  
پیشرفت هائی که در تحقق اهداف  
حاصل شده بیان نمودند .

نماینده اطریش اظهار داشت  
کلاس مطالعه ای در زاگرب  
یوگسلاوی تأسیس گردیده که هر  
وقت مبلغ سیاری موفق بعبور  
از مرز شود تشکیل میشود و این  
خبر کنفرانس را فوق العاده  
به هیجان آورد . نماینده مزبور  
اظهار داشت در نظر دارند

مدرسه تابستانی جوانان را در  
سال ۶۹ در آنجا دائر نمایند  
و مشغول ترجمه آثار امری به  
زبان اسلاو هستند .

نماینده انگلستان اظهار داشت  
که با ۱۷ محفل روحانی ملی  
دیگر همکاری نزدیک دارد و -  
بایستی محافل محلی در قبرس  
تشکیل گردد و در سرزمین  
جدیدی در جبل الطارق بایست  
فعالیت شروع شود .

موفقیت هائی در جزائر منبسط  
دریای شمال و مدیترانه تحصیل  
گردیده و فرصت هائی هم از  
دست رفته است خلاصه  
کارهای بسیاری انجام گردیده  
و مقدار زیادی باقیمانده است .  
از فرانسه خبر خوش شناسائی  
امرالله در مناکو و مصاحبه با  
پرنس ریز واصل گردید .

در ایتالیا ۴۷ مرکز از ۲۰ مرکز  
مورد لزوم تاکنون تأسیس  
گشته و با مشکل اقامت در  
جزایری که غیر از سیاحان  
فصلی و کشاورزان نفوس دیگری  
ندارد روبرو هستند .

از اسپانیا مؤده مسرت بخش  
موفقیت در جهاد طولانی  
جهت شناسائی رسمی امرالله  
در آن سرزمین واصل گردید  
امر الهی دومین نایب است  
که رسماً در دفتر وزارت داد -  
گستری ثبت گردیده و در دفتر  
اطلاعات و سیاحان نیز وارد

شده است .

در این هنگام تلگرافی که برای  
مخابره به بیت العدل اعظم  
تهیه گردیده بود به اطلاع  
رسید .

۲۲۷۸ نفر از ۶۶ ملتکیت در  
کنفرانس شرکت نموده بودند .  
نماینده محفل روحانی ملی  
افریقای شمالی از اشکالات  
عظیمه در ممالک اسلامی و استقامت  
یاران و غلبه آشکار بر مشکلات  
و موانع سخن راند و با اطلاع  
رسانید که شرکتی برای نگاهداری  
اموال امری در الجزیره تأسیس  
گردیده و زمینی به مساحت  
۱۹ جریب برای مشرق الاذکار  
خریداری شده است .

تحقق اهداف در مصر برای  
تشکیل ۳۰ محفل روحانی محلی  
مشکل بنظر میرسد ولی در صورت  
تحصیل مجدد آزادی احببها  
مطمئن هستند که موفق به وصول  
به این اهداف خواهند شد .

یکی از بزرگترین  
موفقیت ها در خاور میانه بدست  
آمده در آنجا فقط دو محفل  
محلی وجود داشت بیت العدل  
اعظم لجنه ای بنام نظم اداری  
انتخاب و احببای آنجا را  
راهنمایی نمودند وظیفه ایسن  
لجنه تبلیغ و ترویج معلومات  
یاران در قسمت نظم اداری بود  
نتایج تشکیل این لجنه بسیار  
موفقیت آمیز بوده بطوری که

تا حال ۵ محفل در اردن و ۳  
محفل در لبنان تشکیل گردیده و  
احببها در ۲۱ نقطه توسط  
اختیار نموده اند .  
ترکیه در حال حاضر ۱۲ محفل  
دارد و اکنون مشغول فتح شهر  
گالیپولی میباشند شهری که  
حضرت بها<sup>علیه السلام</sup> الله از آن نقطه  
به آخرین محل نفی خویش یعنی  
عکا عزیمت فرمودند .

دکتر مولشلنگ متذکر گردیدند  
تائید هنگامی شامل حال میگردد  
که از درگاه الهی رجا نمائیم  
ما را به رضای خود موفق سازد  
و بخدمتی که مورد نظر الهی  
است نائل نماید نه اینک  
بخواهیم ما را به آنچه خود  
مایل هستیم موفق سازد و بیه  
خدمتی که مورد نظر ماست  
نائل گرداند . احببای الهی  
از انقلابات کونی عالم در نهایت  
اطمینان قلب بسر میبرند .

جلسه با خواندن آثاری از حضرت  
عبدالبها<sup>علیه السلام</sup> و حضرت ولی امرالله  
در خصوص اهداف حوزة  
مدیترانه ختم گردید و احببها  
به طرف اتیوسها در هوآسی  
که پس از باران خشک شسته  
بود غرق تعمق و با نهایت  
آرامی روان گردیدند .

صبح یکشنبه

ما به نتیجه و حاصل کار نزدیک  
شده بودیم آهنگ قیاسم و

اقدام با شدت به گشوش  
می رسید . ناظم جمله ایزابل  
صبری جمع را دعوت به سکوت  
و توجه به اهمیت موقعیت نمود  
و به اتفاق راهنمایان احببها<sup>علیه السلام</sup>  
را برای ورود و نشستن کسک  
میکرد .

اینک جشن برداشت محصول  
و حاصل کار بود . ایزابل تقاضا  
نمود نظم را رعایت نمائیم و خود  
را برای استماع بیانات نماینده  
مخصوص بیت العدل اعظم و  
ایادی امرالله جناب دکنر  
جیاگری در خصوص تجسم وضع  
امرالله پس از گذشت یکصد  
سال از سرگونی حضرت بها<sup>علیه السلام</sup> الله  
حاضر سازیم . جناب دکنر  
جیاگری اقدامات حضرت  
عبدالبها<sup>علیه السلام</sup> را برای تحکیم  
امرالله - ارتقای مقلم حضرت  
اعلی - ساختمان مشرق الاذکار  
عشق آباد - نزول الواح و ضایا  
و بالاخره تأسیس میناق الهی  
یک یک ذکر نمودند . سپس  
وضع کونی امرالله را تشریح  
کردند و اعداد و ارقامی در  
این خصوص ارائه نمودند از  
جمله :

تشکیل ۸۱ محفل روحانی ملی  
که ۵۶ محفل آن به نسبت  
رسیده - انتشار امرالله در  
۳۱۴ ملک مستقل و غیرمستقل  
با ۳۲۰۰۰ نقطه امری .  
تأسیس ۷۶ حظیره القدس

خریداری ۵۰ قطعه زمینی  
برای مشرق الانکارو ۶۲۰۰ موقوفه  
ملی - تشکیل ۷۱ مدرسه و ۱۰  
مؤسسه نشریات امری - بالغ  
شدن تعداد اعضای هیئت  
معاونت به ۱۳۲ نفر و تعیین  
۱۱ هیئت مشاوره قاره ای .  
این قسمت اول برنامه  
صبح بود سپس آقای مهندس  
پل تیل مهندس سرپرست  
ساختمان مشرق الانکار پانا ما  
خلاصه ای از اقدامات اولیه  
و اشکالات و موانع بی انتہا  
بیان نمودند و غلبه معجزه آسا  
بر تمام این موانع را مشخص  
پیشرفت در مراحل اولیه  
دانستند و اظهار داشتند که  
ساختمان قرار است در ژانویه  
۱۹۶۹ شروع و بدون وقفه تا  
خاتمه کار ادامه یابد .  
حال وارد مرحله ای شدیم که  
در دو روز گذشته قلوب همه  
احباب در انتظار آن در حال  
غلیان بود و ناظم جلسه چنین  
اعلام نمود : این کنفرانس  
را نباید در آینده بعلمت  
مطالبی که در آن مورد مذاکره  
قرار گرفته یا تعدادی که در  
آن شرکت نموده اند یا ایام  
خوشی که در آن گذرانیده ایم  
بخاطر آوریم بلکه باید بسبب  
تمر آن یعنی نتایج عملی که  
از آن گرفته میشود همیشه در  
خاطر ما زنده و روشن باقی

ماند .  
در این وقت جناب یونسوک  
الینگا که حضرت ولی امرالله  
ایشان را به لقب ابوالفتح  
مفتخر فرموده اند و قبل از کنفرانس  
بیت العدل اعظم ایشان را برای  
آماده ساختن و دادن اطلاعات  
لازم جهت شرکت در کنفرانس  
بمرکز جهانی امر احضار فرموده  
بودند به پشت میز خطابسه  
آمده و اظهار داشتند در این  
هنگام که ما در کنفرانس  
نشسته ایم در همین لحظات  
اعضای بیت العدل اعظم در  
روضه مبارکه به دعا و مناجات  
مشغول هستند تا ما به قیامی  
که سزاوار امر الهی است موفق  
آئیم . وقت تنگ است و مانباید  
سعادت زندگی این ایام را هرگز  
فراموش کنیم . باید پراکنده  
شویم و امر الهی را منتشر  
نمائیم همه باید در این امر  
شرکت نمائیم همه احباب در همه  
حال با کمال سرعت باید قیام  
نمایند . برای تشکیل ۷۴۵۵  
محل روحانی محلی دیگر قبلی  
از خاتمه نقشه نه ساله و استقرار  
۲۲۰۵۲ مرکز جدید و تحصیل  
حقوق قانونی و خریداری املاک  
امری و تأسیس مدارس تابستانه  
و مؤسسات تبلیغی و افتتاح  
۱۷ سرزمین جدید احتیاج به  
تعداد کبیری نفوس میباشد .  
بودجه بیت العدل اعظم از

حین شروع نقشه تا کنون ۱۴۰  
درصد افزوده گردیده است .  
جناب الینگا مؤده دادند که  
بر حسب تصمیم بیت العدل  
اعظم از صندوق بین المللی  
توکیل برای تحقق بعضی از  
اهداف تبلیغی داخلی که از  
طرف محافل روحانی ملی توصیه  
شود سه تصویب بیت العدل  
اعظم برسد میتوان استفاده نمود  
تا همه اهداف تحقق پذیرد  
حال ۲۲۵ مهاجر مورد احتیاج  
است :  
برای آفریقا ۷۴ نفر - برای  
امریکا ۵۰ نفر - برای اروپا ۲۶  
نفر - برای آسیا ۵۷ نفر و برای  
استرالیا ۱۸ نفر .  
مدتی سکوت برقرار گردید و  
سپس جناب الینگا اظهار  
داشتند خوب است به تلاوت  
اسم اعظم پردازیم و ایادی  
عزیز امرالله ما را در خواندن  
آهنگ اسم اعظم آهنگی که در  
آلبرت هال در سال ۱۹۶۳ اشک  
شوق از دیدگان جاری ساخت  
رهبری نمایند .  
جناب الینگا پس از خواندن  
قسمتی از الواح وصایای حضرت  
عبدالبهاء میسر خطابه را ترک  
و از کسانی که سوالاتی  
داشتند تقاضا شد بیان نمایند  
و از داوطلبان قیام دعوت  
شد به صحنه قدم گذارند .  
در ظرف ۱۰ دقیقه ۱۱۵ نفر

داوطلب صحنه را بر نمودند.  
و ظرف ۲۰ ثانیه دیگر ۱۱  
نفر بر تعداد آنان افزوده شد  
در این هنگام حضار جلسه  
برای تحسین و تقدیر از داوطلبان  
بپا خاستند. سالن از هیجانات  
روحانی بلرزه درآمده بود.  
ایزابیل با عشق و علاقه مخصوص  
از نفوسی که در نقاط مهاجرتی  
مستقر هستند تقاضا نمود که  
برخیزند تا معلوم گردد اگر  
این عده به صحنه نیامده اند  
علت داشته است بقبول او اینها  
مهاجرین سابق بودند که به  
تحسین مهاجرین جدید

برخاسته بودند.  
با وجود تلاوت مناجات خاتمه  
این جلسه تاریخی پایمان  
نپذیرفت. جناب دکتر حیاگری  
اعلام نمودند که حاضران  
میتوانند تبرعات خود را بصندوق  
بهائی در سالن کنفرانس تقدیم  
کنند و بلافاصله جمع کثیری  
بطرف صندوق هجوم نمودند.  
نظر شرکت کنندگان  
کنفرانس به این مسئله معطوف  
گردید که سه میدان عمل و اقدام  
در برابر آنان قرار دارد مهاجرت  
کمک بصندوق - مسافرت های

مسافرت تبلیغی يك روزه یا يك  
هفته ای یا يك ماهه و یا بیشتر  
بودند دعوت شد که پیش بیایند  
در این هنگام در روی صحنه و در  
روی فرش مقابل صحنه دیگر  
محل خالی باقی نمانده بود.  
يك حرکت دیگر بسمت پیش اینك  
تعداد نفوس باقیمانده در وسط  
سالن بسیار تقلیل یافته بود و  
فرشهای زیبای شیراز در زیر  
اقدام صدها داوطلب پنهان  
گردیده بود.  
براستی روز قیام فردی نبود  
روز قیام افواج بود.



# حشون یکصدمین سال

نزول اجلال جمال اقدس ابهی  
به اراضی مقدسه

از عزیزانته قلیلی

با بیم و امید به جانب کمبهم مقصود نزولین شدیم  
و به محلی که سالها آرزوی زیارتش را داشته وارد  
شدیم .

از دقایق اولیه ورود متوجه شدیم که همه  
چیز بر وفق مراد است . نظم و ترتیب و پروگرامهای  
دقیق و منطقی که در ظل دیوان عدل الهی  
بوسیله مأمورین مخصوص تمهید شده بود نشان  
میداد که امور بحد کمال دقیق و منظم ترتیب  
داده شده . در اولین فرصت پس از ورود به ارض  
اقدس هر فردی به محل مخصوص ثبت نسام  
و راهنمایی مراجعه مینمود و در آن مکان چه امور  
شخصی از قبیل تبدیل پول رزرو بلیطهای مسافرت  
و اخذ اوراق و نقشه های مخصوصه جهت راهنمایی  
شهر و غیره انجام میگردد و چه پروگرامهای  
زیارت اعیان مقدسه و شرکت در احتفال سر  
عظمت روز یکصدمین سال ورود جمال اقدس ابهی

کفرانس پالرمو با موفقیت در شرف خاتمه بود  
و ما واله و مشتاق که هر چه زودتر قدم بوادی قدس  
و سرزمینی که از قبل به ارض مقدس و ارض موعود  
تسمیه شده گذاریم . سر بر اعیان مقدسه نهیم  
و مشام جان را از بوی کوی محبوب زنده و معطر  
سازیم . لیکن در دل خود می گفتیم بر راستی آیا با  
این جمعیت زیاد قریب دو هزار نفر از دوستان  
و این فرصت کوتاه شش روزه مجاز در ارض اقدس  
ممکن است در مقام مقدس اعلی و روضه مبارکه و سایر  
اعیان مقدسه موقعیتی پیدا کنیم که در حالت  
سکوت و تنهایی و حالت جذبه و توسل با خدای  
خود راز و نیاز کنیم . آنچه در دل داریم بگوئیم  
و آنچه آرزو داریم طلب کنیم . از ذیل پر قدرت  
جمال قدم و حضرت اعلی تائید و توفیق طلبیم .  
غالبا فکر میکردیم چطور مقدور است که در ایسین  
موقعیت کوتاه چنین فرصتهائی بدست آورد و بالاخر

احساس میکند نغمات روحانسی  
در ترنم است . زیبایی صفا  
لطافت روح ملکوتی عظمت  
و درخشندگی حالتی به انسان  
میدهد که وصف کردنی نیست .  
دست توانای حضرت ولسی  
مقدس امرا لاله براستی شاهکار .  
هائی آفریده که نه تنها احبها  
بلکه دیگران هم معترفند که  
در دنیا مثیل و نظیر ندارد .  
این شرحی نیست که قلم ناتوان  
این عبد بتواند آنرا توصیف کند  
بلکه فقط بایستی رفت و بچشم  
حقیقت زیارت نمود .

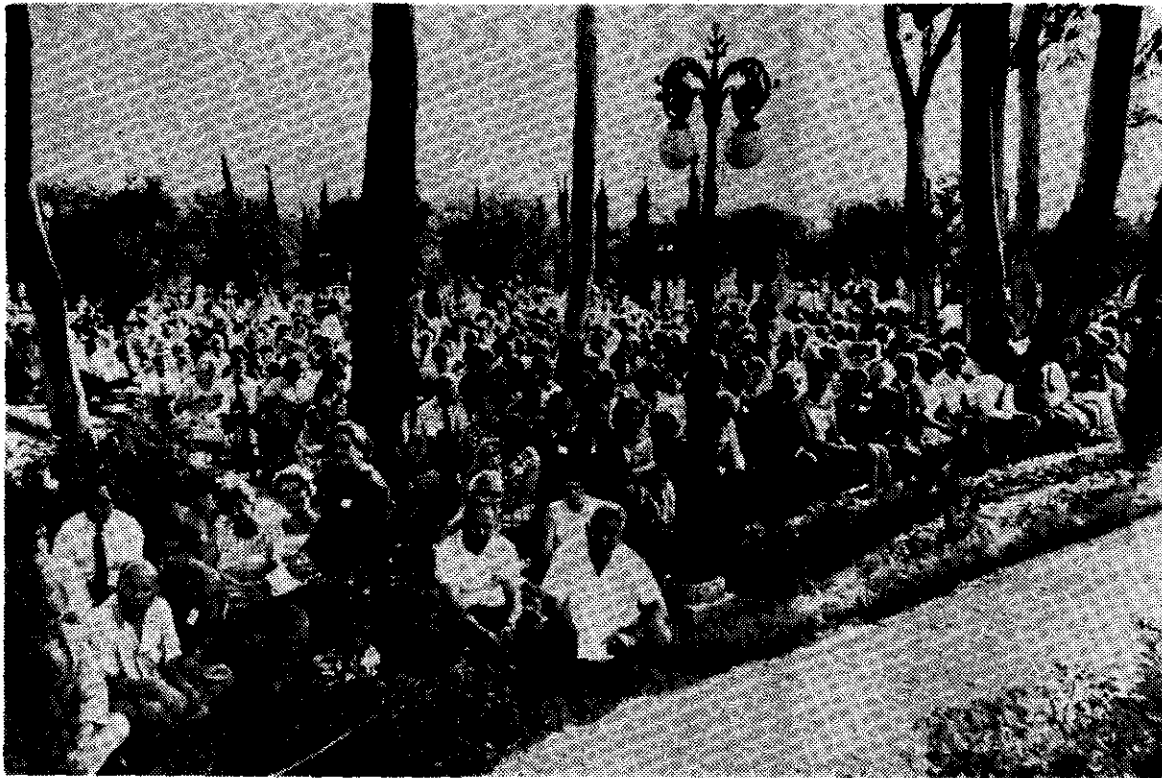
مطابق پروگرام در ساعت  
و روز مقرر بسمت عکا و بجهت  
زیارت قبله گاه اهل بهاء با  
اتوبوس های مخصوص حرکت کردند  
هر دسته ای جداگانه ایسن  
پروگرام را داشتند بطوری که  
در هیچ جا جمعیت زیاد نبود  
و وقتی سر باستان مقدس روضه



مبارکه گذاردیم فقط ده نفر در حول روضه مبارکه  
در طواف و زیارت بودند و این پروگرامهای منظم  
و مرتب که به این خوبی و به این دقت تنظیم  
شده بود مسئول اجرای آن راهنمایان عزیزی بودند  
که هر کدام با سیمای نورانی و روی خوش و سکوت  
محبت آمیز خودشان ما را هدایت میکردند . گاهی  
کافی بود که فقط با یک توجه مخصوص به محل  
مورد نظر راه را بما نشان دهند و البته در جاهائی  
که احتیاج به توضیح بود قبل از ورود توضیحات  
لازمه جهت زائرین بیان مینمودند . این راهنمایان  
که اکثر قریب به اتفاق از جوانان انتخاب شده  
بودند بنا به امر بیت العدل اعظم از کشورهای

به عکا و وسیله ایاب و نهاب مشخص و احبها  
مدارك لازمه را اخذ و به محل اقامت خود  
مراجعت مینمودند . برای هر فردی يك نوبت  
سجادت زیارت روضه مبارکه و تمثال بی مثال  
جمال اقدس ابهی و حضرت اعلی در دارالانشاء  
و زیارت قشله عکا بیت عبود قصر بهجی پیش  
بینی شده بود و سایر اماکن مقدسه و مخصوصا  
مقام مقدس اعلی و حضرت عبدالبهاء بطور  
دلخواه هر موقع امکان پذیر بود .

انسان وقتی برای اولین مرتبه در باغچه مقام  
اعلی و روضه مبارکه قدم میگذارد فکر میکند در  
هوا پرواز مینماید . از هر شاخه گل و درختی



وارد و جالس میشدند . درست در ساعت معینه ( ۴ بعد از ظهر ) شروع جلسه اعلام گردید که احبای با توجه کامل به موقعیت پر عظمت این احتفال و این روز تاریخی مترصد شروع پروگرام باشند لذا سکوت با شکوهی جلسه را فرا گرفت قلبها به طپش آمد و در روبروی قصر بهجی گشوده شد . حضرات ایادی امرالله و اعضا دیوان عدل الهی یکی یکی وارد شدند و پس از اینکه روبروی احبای در مقابل کرسی های خود قرار گرفتند جلوس فرمودند . حضرت امة البهائیه روحیه خانم بشت تربیون مفریافتند و بالحن جاذب و ملکوتی خود شروع به خواندن ابیات اشعار فارسی نمودند . این قلم ناچیز نمیتواند اثر حالت مخصوصه در آن موقع را بنویسد چنان کلمات جاذب و عالی بیان میشد که گوشه ندهای ملکوتی و آسمانی را میشنوم و چنان احتفال

مختلف برای انجلم وظیفه در ارض اقدس گسرد آمده بودند . در این صورت متوجه شدیم که نگرانی درونی ما بیمورد بود و پروگرام تنظیمی چنان عالی تمهید شده بود که با وجود چنین جمعیت زیاد و فرصت کم و اماکن محدود اعجاز آمیز بود . در روز ۳۱ اگوست ۶۸ همان روزی که احتفال تاریخی و با شکوه بیاد بود روز ورود حضرت بهاء الله جل زکرة الاعظم منعقد میگردد تمام افراد طبق پروگرام از محل های خود در اتوبوسهایی که قبلا مشخص شده بود در ساعت معین به طرف عکس حرکت نمودیم . اتوبوس ها در خارج از باغ بهجی متوقف میشدند و دسته دسته احبای با آرامش و سکوت کامل و توجه تام پس از طواف حول روضه مبارکه در جلو قصر بهجی مشرف به روضه مبارکه در جلی با صفائی که صندلیها چیده شده بود



ایادی عزیز امرالله بودند يك يك قسمت‌های  
مختلف پروگرام را اجرا می‌فرمودند .

مناجاتهای فارسی و انگلیسی قسمتی از آثار قلم  
اعلی و از توقیع منبع نوروز ۱۰۶ و از کتاب قرن  
بدیع ( گاد پاسزبای ) از لوح رئیس فارسی همه  
در تکریم و توصیف جمال اقدس ابی و اهمیت  
این روز مبارک تلاوت گردید و در خاتمه زیارت  
نامه جمال اقدس ابی با لحن ملیح جناب فیضی  
تلاوت گردید . درست ارواح مقدسه همه انبیا  
و مرسلین و مظاهر مقدسه در این جلسه حاضر  
و ناظر بودند زیرا غیر از توجه و تبتل توأم با شکوه  
و جلال و عظمت کسی چیز دیگری حس نمی‌کرد .

فقط وقتی بخود آمدیم که در خیابان باغ بهجسی  
بسمت در خروجی رسیده بودیم و چشممان به صف  
طویل اتوبوسهای مخصوص افتاد .

اجتماع چنین جمعیتی از جامعه بهائی در اسرائیل  
تاکنون بی سابقه بود و نظم و ترتیب و تمشیت آن  
احبا حتی مردم آن سرزمین را به تحسین و  
داشته بود . روزنامه ها در اهمیت امر مبارک  
مقالاتی نوشتند حتی بشارات حضرت بها اللہ  
را به جهت بنی اسرائیل و عزت و اجتماع آنان را در  
سرزمین موعود و اسرائیل یاد آوری نمودند .  
حیف که تا چشم به هم زدیم زمان وصال گذشت  
و دوران لذائذ روحانی و سرور سپری شد . مسافری  
که دل از زیارت کوی جانان نمیکنند با خاطرات  
بهجت انگیز و قلبی مالا مال از کیفیت های روحانی  
دسته دسته عزم مراجعت مینمودند و زیارت اعتبار  
مقدسه و حضرات ایادی عزیز امرالله و اعضاء بیت  
العدل اعظم که گاه در باغ مقام مقدس اعلی  
تشریف می‌آوردند و همچنین اثر این روز بزرگ  
تاریخی چنان در زوایای دل ما نقش بست که  
هیچگاه فراموش نخواهد شد .



پر شکوه و جلال بود که تحت تأثیر آن قطرات  
اشک احبا مرتب گونه ها را نوازش میداد و روی  
لباسها میریخت براستی حتی پرندگان آسمان هم  
تحت تأثیرات روحانی قرار گرفته بودند . حضرت  
امة البها سپس ترجمه ابیات را به انگلیسی  
بیان فرمودند و شمه ای از عظمت و اهمیت این  
روز تاریخی صحبت فرمودند و مناجاتی انگلیسی  
بجهت افتتاح پروگرام تلاوت نمودند . همینطور  
پروگرام ادامه داشت و موظفین که تماما حضرات

# چشمان عبدالبهاء

پرویز روحانی - مراد و اعظمی  
مهاجرین هندوراس

طبق دستور بیت العدل اعظم الهی تا پایان سال جاری باید تعداد محافل محلیه این کشور از ۲۹ به ۵۰ بالغ گردد لذا محفل ملی هندوراس دستور دادند که ما بیک شهر دیگر برای تبلیغ و تشکیل محفل محلی برویم ولی هنوز بوضع و چگونگی تبلیغ در این کشور آشنا نبودیم پیشنهاد کردیم که مدتی بعنوان مسافرت تشویقی و کسب تجربه به صفحات شمالی و شمال شرقی در کرانه های اقیانوس اتلانتیک و جنگلهای ساحلی برویم . محفل مقدس روحانی ملی نیز قبول کردند و ما ۲۴ روز قبل عازم این سفر جالبست و فراموش نشدنی شدیم در اولین شهریک خانم امریکائی که مدت ۱۰ سال است مهاجر اینجاست و عضو محفل ملی هندوراس نیز هست همسفر ما شد و از اینجا پیاده روی ما سه نفر در دل جنگلهای انبوه نارگیل و سرو و کاج شروع گردید . قسم به جمال قدم که هیچ قلم و بیانی قادر نخواهد بود وصف این سفر را بنماید شاید شما که در ایران هستید آنچنان که ما بچشم دیدیم و با روح و جانمان احساس کردیم نتوانید عظمت و اقتدار و نفوذ امر جمال قدم را مجسم نمائید .

روز اول پس از ۲ ساعت راه بیمانی باولین قبیله از قبائل سیاهپوست در کنار اقیانوس اتلانتیک رسیدیم در اینجا چند نفر بهائی وجود داشت که بمجرد ورود ما نوای گرم و گیرای ( الله ابهی ) بگوش رسید و در دل - جنگل طنین انداز شد . همان هنگام با گوش جان نعره یا صاحب الزمان اصحاب قلعه شیخ طبرسی را در جنگلهای مازندران شنیدیم و قلبهایمان لرزید و اشک شوق بچشمان ما آمد و تمام خستگی و کوفتگی راه را از تنهایمان بزود و چون وقت کم و بازدید محلهای دیگری در پیش بود همان بعد از

ظهر کلاس ترمید معلومات و شب ~~جلسه~~ <sup>تشریح</sup> تشکیل شد و ذکر این مطلب بسیار جالب است که قبل از تشکیل کلاس تمام اعیان محض گروهی از غیرمؤمنین با امرالهی روی چندینای سبز حلقه زدند و پس از لحظه ای سکوت بسرای آمادگی روح و حواس پیرترین فرد حاضر برخاست و نواهی طیب و آوای دلنشین چنین سرود: "یا بها" الاهی ... یا علی الاعلی " و نه مرتبه هر کدام با همراهی آواز سایرین ادامه یافت سپس مناجات هل من فرج ... و بعد از آن آیه طوبی داخل و لبیت ... (که حضرت ولی امرالله گمشده در لوح ۱۱۰ نقل میفرمایند) به زبان های انگلیسی و اسپانیولی تلاوت شد. (بومیان اینجا اکثرا زبانهای انگلیسی و اسپانیولی و زبان بسوی خود را میدانند) پس از لحظه ای دیگر که در سکوتی مقدس سیری شد مراسم معرفی بعمل آمد وقتی که این سیاهان سفید قلب فهمیدند ما دو نفر ایرانی هستیم و به خاطر امر حضرت بها' الله و خدمت بآنها به این نواحی هجرت کرده ایم با سروروی وصف ناپذیر چنان سروروی ما را غرق بوسه کردند که قلم از توصیف این همه ایمان و شوق عاجز است آن شب در ساحل دریا و در جلسه ما چرائی نبود نقطه نور ماه پرتو افشان این انجمن و شمع مجلسمان شعله ایمان قلب سفید و نورانی این سیاهان نازنین بود در آخر جلسه که تا پاسی از شب ادامه یافت دو نفر مصدق داشتیم. شب را در گهواره های خود که در بیسن دو درخت نارگیل بستیم در ساحل خنک و زیر آسمان لاجوردین اقیانوس درد آمان نقره ای عروس آسمان با یک دنیا آرزو و سرور قلب به صبح رسانیدیم و در ساعات اولیه بامدادی عازم قبیله دیگری با مسافت چهار ساعت راه پیمائی از روی شنهای ساحلی اقیانوس شدیم. در این جا نیز از ما استقبال گرمی به عمل آمد. در این محل محفل روحانی محلی داشتند که باعث نهایت سرور شد حدود چهار سال قبل ایادی امرالله جناب (ایناک الینگا) بذرمحبت الله را در این سواحل و در میان این جنگلهای سرسبز افشاندند و شمع عشق و جذبه و شور را در این سواحل زیبا بر افروخته بود بطوری که هر یک از این سیاهان سفید قلب خود چون مشعلی نورانی بر ساحلی اقیانوس راهنمای متحریان حقیقت بودند. به مجرد ورود و رفع خستگی کلاس ترمید معلومات تشکیل گردید که باز هم به هنگام تلاوت آیات و الواح الهیه روحانیت و جذبه ای خاص همگی را در بر گرفت. در ابتدای کلاس خانم بیرو فرتوتی پرسید چشمان عبدالبهاس چه رنگ بود؟ عجب سو' الی؟ خدای من چه جوابی بدیم؟ چشمان عبدالبهاس چه رنگ بود؟ پرسیدیم خواهیم (در میان این قبائل همگی همه یگرا خواهر و برادر صدا میکنند) چرا این سو' ال را کردی؟ گفت اکثر شبها خواب مولایم را می بینم که چون نسیمی فرح بخش از بیکران اقیانوس بسوی کلبه ام می آید ولی نمیتوانم به چشمانش نگاه کنم از شدت هیجان

بیدار میشوم و اکنون در این آرزوم که بدانم چشمان او چه رنگ بود . عکس حضرت عبدالبهاء را که همراه داشتیم باو دادیم و گفتیم که نگاه کن هر رنگی را که تشخیص دادی همان است . . .

در اینجا نیز تعدادی زیاد متحری حقیقت و یک نفر مصدق داشتیم که برای همگی دروس مکاتباتی ارسال خواهد شد بامداد روز بعد به دهگه بزرگتری که سفید پوست و سیاه پوست بودند رسیدیم در اینجا دو روز کلاس داشتیم و با پنج تن از معلمات مدرسه دهگه در مورد امر صحبت شد که یک نفر تصدیق کرد . سفر ما در ساحل اقیانوس و در دل جنگلها همچنان ادامه مییافت و در هر قبيله يك تا چند روز اقامت میکردیم تا اینکه بشهر بندری ( تلا ) وارد شدیم و چون همگی خسته و کوفته شده بودیم بيك هتل رفتیم به مجرد ورود به سالن هتل قیافه ها و هیئت خسته و گرد آلود ما موجب شد که مورد سؤال دیگران قرار گیریم که شما چه کسانی هستید و از کجا میآئید ؟ خانم امریکائی همراه ما فوراً بدون رفع خستگی شروع به تشریح علت مسافرت و هدف ما و دیانت بهائی نمود و اجازه رسمیت امر را در این کشور که به زبان اسپانیولی و از طرف دولت بود برای همگی خواند جلسه گری بود که کمتر نظیر آنرا دیده بودیم سوئالهای مختلف و منطقی میشد که پس از پاسخ همگی قانع میشدند در آخر جلسه دو نفر از جمله خانم صاحب هتل اظهار تمایل کردند که بهائی شوند که نامشان ثبت شد . در این هنگام کشیش کلیسای ( ادونتیست ) که از جریان مطلع شده بود با صورتی عصبانی و برافروخته و حالتی نگران وارد شد و بدون مقدمه گفت چه میگوئید ای مسافری بیگانه ؟ شنیده ام ادعا کرده اید که مسیح ظهور کرده است ؟ این چه حرفی است ؟ چه دلیلی دارید ؟ مسیح در روز هفتم رجعت میکند چه میگوئید ؟ مدتی هم با این جناب تا دل شب سخن رفت که بالاخره هنگام خروج در حالی که سرش پائین بود اظهار داشت من هیچوقت نتوانسته ام با دلائلی شما بهائیان روبرو شوم اگر مسیح رجعت کرده است و این دیانت حقیقت است خودش شما را یاری میکند و از در بیرون رفت پس از چند روز اقامت در این دهگه و قبائل اطراف آن مجدداً سفر ما ادامه یافت . به گروه سه نفری ما لقب گروه صلح بهائی در این نواحی داده شده بود ( چون افراد گروه صلح امریکا نیز در این کشور فراوانند ) باری چه درد سرتان بد هم چه جلساتی چه انجمنهایی که با روح و ریحان و جذبه و شوق تشکیل میشد تا اینکه یکروز خانم ۵۵ ساله همراه ما بیمار شد و مجبور به مراجعت به شهر شدیم و خبر زلزله ایران را نیز از رادیو شنیدیم . لذا مسافرت ۳۰ روزه ما ۲۰ روزه پایان یافت و ما قلیب مشحوف از دیدار این برادران و خواهران روحانی و مشعلهای راهنمایی حقیقت که در کنار اقیانوس برافروخته شده اند آن

# گلستان و انوار

یک بند از ترجیع بند  
جناب ادیب بیضانی

کاروانهای سراز شیر  
شد ز شیراز برفلسک آواز  
از ترسا فروکشید به نواز  
در دین جدید بر ماباز  
در جهان کرد ترکناز آغاز  
آهنین شاخ برکشید نه ساز  
چه غم ار لیل هجر بود دراز  
فطرت خلق کشف کرد این راز

گو بسعدی که شد به مصر و حجاز  
از برای حراج شکر و قند  
رجل فارسی و علسوم و حکم  
مردی از قوم روزبه بنمورد  
عجمی زاده، عربی روی  
سوق این گله، شبان کسش را  
عاشقان صبح وصل کرد طلوع  
من نگفتم بکس فسانه، عشق

که بها، جیل ذکرة الاعظم  
برده برداشت از جمال قدم

برسط جناب زارشاہ خلیل اللہ

جناب آقا عبد الرحیم و انجال امجد میرزا آقا جان و میرزا محمد تقی عظیم بہار اللہ

# جناب عبد الرحیم بشرویه ای

و کفر فریدون رحیمی

چہرہ های شگفت انگیز در تاریخ این امر  
نازنین بسیار زیاد است زیرا اثر معجز آسای تعالیم  
جمال قدم جل اسمہ الاعظم چنان در ارکان و  
اجزای مقبلین و موہ منین اثر بخشید کہ از ہر  
یک از آنان انسانہائی خارق العادہ مبعوث شد .  
مطالعہ این اوراق قبل از ہر چیز ما را بسہ درک ہر  
چہ بیشتر عظمت و قدرت و سلطنت حضرتش موثق  
میگرداند . با توجہ بہ این واقعیت است کہ بسہ  
شرح احوال جناب عبد الرحیم بشرویہ \* مبادرت میشود  
چہ همانطور کہ در شرح احوال خواهد آمد جمال  
قدم در اولین لوحی کہ پس از تشرف بہ افتخار  
ایشان نازل فرمودند امر میفرمایند کہ آنچه  
از قدرت و عظمت حضرتش دیدہ و شناختہ  
برای احبایش ذکر کند بقولہ تعالی و تقدس :  
" . . . ان ازکسر احبائسی من قبلی نس  
ذکرہم بما عرفت و رأیت کذلک امرت من لدن

ای یاران روحانی ہر چند بظاہر از ہر یک دور و مجوریم ولی بحقیقت

در محفل سرور و جہور مجموع و مانوف در ظل عنایت رب غفوریم ہست

کاس تراہما کا فوز زیر افیض بحر ابھور شائست و فوز مو فوز حاصل

امواج یک بحریم و قطرات یک نہر پر تو یک آفتاب یاقیم و

برشحات یک سحاب نشو و نما نمودیم و در اینصورت ہدییم و محرم

و ما نوسیم در ہر شام و ہر صبحم خزانہ نیست و جدائی نہ پیدا ہوید ایم

و سودائی و شید ایم از فضل حضرت بچون امیدم چنان است کہ نموید

بالطاف الہی گردید و موثق بفیض نامتناہی و حکیم البہار الہی



ربك المميز الحلام . . . . .

جناب عبدالرحیم بشرویه از همان چهره هالی  
شگفت انگیزی است که کیفیت تصدیق و ایمان و  
تشریفان بآستان حضرت یزدان همگی دلائلی  
ممجز آسا بر قدرت و احاطه و اقتدار جمال مبارک  
است و همین منظور تلخیص از احوال ایشان را  
که با مطالعه از الواح مقدسی که به افتخارش سلطن  
نازل شده و استفاده از سایر منابع (۱) تنظیم  
گردیده است برای اطلاع احباب الهی و جوانان  
عزیز زمانی می نگارد :

جناب عبدالرحیم بشرویه قبل از ایمان به امر مبارک  
جعفر نلم داشته است و رحیم نلم مبارکی است  
که جمال تسم جل جلاله در حین تشریف در ضمن  
لوسی به ایشان عنایت فرموده اند بقوله الاعلی :

” . . . انا سمیناک باسم عبدالرحیم ان  
اجهد لیظهر منک ما اردناه من هذا الاسم المنیع “  
ایشان فرزند ملا ابراهیم وکیل از اهالی بشرویه  
است که در همان دیار تولد و نشو و نما یافتند .

قبل از تصدیق امر تعصبی شدید در دینانست  
اسلام و بغض و عداوتی کثیر نسبت به پیروان  
امر حضرت یزدان داشته اند . سه سفر به زیارت  
کربلای معلی مشرف گردیده اند و بیعت صدای  
رسا و لحن دلنشینی که داشته اند پیشاپیش  
قوافل و کاروانیان با آهنگ خاص آنرا محظوظ  
و مشحوف می داشته اند .

قبل از ایمان به امر مبارک و در زمانی کسه در  
بشرویه نایره دشمنی و عداوت نسبت به امر مبارک  
مشتمل و حاجی سید حسین مجتهد به تحریک  
عوام بر علیه بندگان حق کمر همت بسته بود  
از مشارالیه سوء ال میکند که مقابله و مبارزه با  
بهائیان از نظر شرعی چه مقامی دارد و جواب  
میشود که مبارزه در این طریق حکم جهاد فی  
سبیل الله دارد . کشتن غین صواب و گشته  
شدن سبب ورود به جنت النعیم و موجب نجاح

و فلاح است . این جواب از آن مجتهد ایشان را  
ترغیب میکند که با کشتن یکی از پیروان آن دینانست  
راه صواب و فلاح را بر خود هموار سازند و بسرای  
انجام این منظور جناب کربلای حاجی بابا کسه  
یکی از مخلصین احباب و به بهائیت کاملاً مشهور و  
معروف بوده اند انتخاب نموده تصمیم میگیرند  
ایشان را به قتل برسانند . روزی در کمینگاه مناسبی  
در مسیر ایشان ایستاده و اسلحه ای در زیر قبا  
پنهان کرده منتظر ورود ایشان میشوند . جناب -  
حاجی بابا که از منزل یکی از احباب مراجعت  
مینموده اند بی اطلاع از واقعه ای که در انتظارشان  
است پیش می آیند و هنگامی که به آن محل  
میرسند مورد خطاب قرار میگیرند که حاجی بابا  
خودت را آماده مرگ کن چون گمراهان باید بمیرند .  
ایشان با ملاحظه اوضاع و مشاهده حالت  
غضبناک جناب عبدالرحیم آرامش خویش را حفظ  
کرده و با وجهی محبت آمیز و گشاده پیش  
میروند و این شعر را خطاب بوی میخوانند :  
عاشق که شد که یارب حالش نظر نکرد - ای خواجه

درد نیست وگرنه طیب هست .

آرامش و سکون جناب حاجی بابا و اثر این بیست شعرموجب میشود که جناب عبدالرحیم سلاح را از خود دور کرده و به ایشان متوسل شده میگیند شما چه ادعائی دارید - یار کیست ؟ طیب کس ؟ من عاشق من دردمند چه باید بکنم و حقیقت حال از چه قرار است ؟

در جواب میگیند اگر وقت داشته باشید و حوصله به خرج بدهید و تحقیق نمائید بر عشق و عاشقی و یار و معشوق و مقصود و مراد مطلع خواهید شد . از همانجا به اتفاق به منزل همشیره جناب ملا حسین بشرویه ای که به جناب بی بی مشهور بوده اند رهسپار میشوند و بنای مذاکرات میگذازند و بحث و مذاکره یک شبانه روز بطول میانجامد بطوری که قرینه ایشان از غیبت همسر مضطرب و نگران شده به جستجو میپردازد و ایشان را به گفته خودش در منزل بابیان می یابد و چون حال شوهر را مضطرب و منقلب می بیند تصور میکند که بابیان قصد جان ایشان را کرده اند . همین خانم بعدها گفته بود که تلاطم قلب و انقلاب احوال و رفتار که آقا عبد الرحیم تا چند روز پس از آن واقعه بدرجه بسود که به هیچوجه آرام نیگرفت و خواب به چشمش راه نمی یافت . آقا عبد الرحیم بعد از این مذاکرات تبلیغی و تحقیقی بکلی صبر و قرار از دست میدهند و تصمیم میگیرند پیاده از بشرویه به ارض اقدس سفر کرده خود را به محضر حق برسانند و به زیارت محبوب عالمیان نائل گردند . از طریق بغداد و دیار بکر و موصل پیاده عزیمت مینمایند و پس از ششماه راه پیمائی خود را به عکامیرسانند و هنگامی به آن دیار میرسند که هیکل اظهار در سجن تشریف داشتند و باب سجن بکلی مسدود و احدی اجازه تشریف نداشته است و مأمورین مسلح قدم به قدم مراقب بوده اند که کسی را اجازه زیارت ندهند . در عکا آقا عبد الرحیم ابتدا جناب نبیل زرنسدی را

ملاقات میکنند که در همان اوان بقصد زیارت محبوب عالیجانب در آنجا معتکف و منتظر و مترصد گشودن باب لقب بوده اند قصد خود را با جناب نبیل در میان میگذارند و اظهار میدارند آرزو دارم با تمام موانع موجود به محضر انور مشرف شوم جناب نبیل میفرماید نه ماه است که من به این آرزو طائف حول این مقام هستم و برای تحقق این منظور اشک ها ریخته ام و بیابان از اشک من گسل شده و هنوز این آرزو بر آورده نشده است . آقا عبد الرحیم از ایشان خدا حافظی کرده و بکسار دریا می آیند و لباسهای کهنه و مندرس خود را در آورده و گرد سفر از آن میشوند و سپس آن را مجددا پوشیده و خود را به حوالی قلعه میرسانند و دور حصار سجن بطواف میپردازند . در این احوال ناگهان متوجه میشوند که از داخل یکی از دریچه های سجن دستی ایشان را به سوی خود میخواند . آقا عبد الرحیم با اشتیاق کلمه شتابان بطرف درب قلعه میروند و ملاحظه میکنند که ضباط عسکره و مستحفظین و مأمورین مسلح مثل آنکه روح در بدن ندارند بی حرکت هستند و ملتفت حال ایشان نیستند و هیچیک از آنان را مانع و مزاحم نمی بینند . بی محابا خود را داخل قلعه می اندازند و از میان صفوف مأمورین و محافظین میگذرند و خود را بحضور جمال قدم محبوب عالم رسانده سر بر آستان مبارکش میگذارند هیکل مبارک بایشان اظهار عنایت فرموده و بایسن مضامین ایشان را مخاطب میفرماید " اگر به رنج افتادی به گنج رسیدی ما چشمهای محافظین را بستیم و نور دیده آنانرا اخذ کردیم تا توبه لقای حق فائز شوی و قدرت و سلطنت او را مشاهده کنی تو را امر میکنم آنچه را دیدی و شناختی برای احبای من بیان کنی ."

لوح مبارکی به افتخارشان نازل میشود و در آن لوح باین معنی تصریح میفرمایند و ایشان را بلقب





اعتراض ميشند و بحال قهرا از منزل حاکم بیرون  
میرود . حاکم هم ناچار میشود چوب و فلک خواسته  
آن مظلم را چوب میزنند و در يك شب سرمای  
بارانی امر مینماید که از فاران بروند و آن بی پناه  
هم در آن شب تاريك و سرد ترك خانه و لانه  
واهل و اولاد نموده از فاران به بشرويه عزيمت  
مینمایند و در آنجا در حالی که در شعله شوق  
و اشتیاق زیارت ثانی جمال مبارك میسوخته اند  
بامر هيگى اقدسش مأموریت می یابند که به اتفاق  
جناب ملا صادق مقدس خراسانی ( اسم الله  
الاصدق ) که در آن حین سنين كهولت را میگذرانیده  
مشرف شوند و در اینجا هيگى مبارك آقا عبد الرحيم  
را به رجل واحد امين مخاطب میفرمایند پس  
از شرفیابی تا مدتی طائف كعبه حضور میگردند و  
بعد از مراجعت از این سفر ثانی در بشرويه شب  
وروز به تبلیغ و هدایت نفوس مشغول میشوند و  
اعدا هم از هر جهت هرزه دوانی نموده در صدد  
اذیت برآمدند - ایشان هم با اهل و عیال بکلی  
ترك بشرويه نموده در فاران توقف مینمایند و بعد  
در اثر خواهش جناب آقا مسعود بسطاطی علیسه  
بها الله که از احباب مشتعل و منجذب بوده اند  
در قریه بسطاطی که هفت فرسنگی فاران است توطن  
اختیار مینمایند و در سنه ۱۳۰۸ هجری بسرای  
پارسیم به اتفاق جناب آقا مسعود پیاده عازم  
كعبه مقصود میشوند و مشرف لقای جمال اقدس  
ابهي مشرف میگردند و افتخارشان الواح مباركسه  
از قلم اعلی صدور مییابد که از آنچه در دست  
است پنج لوح از جمال مبارك و يك لوح نيسز از  
قلم مركز ميثاق عز نزل یافته است . پس از مراجعت  
از سفر ثالث در فاران وطن میگیرند و بخدمت و  
نصرت امر الهی هم در زمان اشراق نیر آفاق  
و هم در دوره ميثاق مشغول میشوند . در یکی  
از الواح به افتخار ایشان از قلم اعلی نازل قولسه  
جلی جلاله :

" اى رحيم كتابت در محضرب كرسيم  
حاضره الحمد لله از فضل حق بساحت اقدس  
فائز شدی و ندای الهی را مره بعد مره اصغرا  
نمودی و كوشر بیان از يد عنایت مطلع عطفا  
آشامیدی هنيئا لك ولمن فاز بهذا الفيض العظيم و  
ما ذكرت في ضلعك انها لما فازت بخدمتك كه رنا  
عنها سيئاتها . و البسناها ثوب الغفران ان رسك  
لهو الغفور الكريم مقام دوستان حق بسيار عظيم  
است هر نفسی که بخدمت آن نفوس فائز شود اگر  
چه بظاهر بنور ايمان فائز نشده . ولكن لسدى  
الرحمن اجر عمل او ضايع نخواهد شد قد احاط  
فضل ربك من فى السموات والارضين امر ميكييم  
تورا به رفق و مدارا با او . . . "

شأن نزل این لوح مبارك علاوه بر لطف و عنایت  
هيگى مبارك نسبت به آقا عبد الرحيم این بوده  
است که چون قرينه اول آقا عبد الرحيم موسوم  
به معصومه مؤمن به امر مبارك نبوده است از  
هيگى اطهر در مورد ایشان كسب تكليف مینمایند  
و این لوح اضع اقدس در جواب نازل میشود و از  
نظر اشاره ای که هيگى مبارك به مقام دوستان  
حق و مقام نفوسى که بخدمت آنان فائز میشوند  
فرموده اند حائز اهمیت بسیار است و قسمتی از  
این لوح مبارك با مختصری از شرح حال جناب  
عبد الرحيم در كتاب گنجینه حدود و احكام تأليف  
فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری نقل شده  
است و فصلی از این كتاب نفيس به تذكار این  
بیان مبارك در این لوح اختصاص یافته است .

از نظر خصوصيات اخلاقی جناب عبد الرحيم مردی  
خوش سخن و خوش آواز و شجاع و مهمان نواز  
بوده اند . الواحی بسیار از جمال مبارك از حفظ  
داشته اند و با لحنی بسیار خوش تلاوت میکرده اند  
در مهمان نوازی زبانزد بوده اند و در پذیرایی  
از دوستان و احباب و افتخار حد اکثر سعی و  
كوشش را مبذول میداشته اند و منزل ایشان

را مبذول شده

منزلگاه مسافری و مجاورین بوده است . معاش ایشان از مرکب باقی تأمین میشده است و آنچه از این راه حاصل میشده است در طریق خدمت امرالله و پذیرائی مبلغین و مسافری صرف میکرده اند و در این طریق قرینه ایشان یسارو مددکارشان بوده است . از جمله مهمانان ایشان که مدتی در فاران در منزلشان توقف داشته اند جناب میرزا محمود زرقانی جناب ابن اصدق و جنابان نیرو و سینا بوده اند .

از جناب آقا عبدالرحیم خاطرات بسیار بخصوص از زمان تشرف بیاد مانده است زیرا ایشان در قوابع زمان تشرف و شرح تصدیق خرد را بارها برای احبای الهی چه منفردا و چه مجتمعا نقل کرده اند بطوری که هنوز هم عده ای از احبای و قدمای امر در فاران این خاطرات را بیاد دارند و بعلمت طویل مقال مجال ذکر آن نیست .

جناب آقا عبدالرحیم در خاتمه حیات با حال ثبوت و یقین کامل در سن هشتاد سالگی در فاران

صعود نموده به عالم باقی شتافتند . مدفن ایشان در قبرستان عمومی این مدینه موجود و نزد احباب مشخص و معلم و نزد اغیار نا معلم و باین جهت محفوظ و مصون است تا در فرصت مناسب بگستان جاوید انتقال یابد . قرینه آقا عبدالرحیم فخر - النساء بیگم زنی بسیار مؤمن و مخلص بوده اند که در مدت حیات یار و غمخوار و مددکار ایشان بوده و الواح بسیار از جمال مبارک را از حفظ داشته اند و بخصوص الواحی که به افتخار همسرش نازل با شوق و سرور اغلب تلاوت و در پذیرائی از مهمانان و یاران الهی دائما سعی و جاهلند بوده اند .

فرزندان آقا عبدالرحیم و فخر النساء بیگم که به افتخار عنایتی هیکل مبارک حضرت بها اللہ به رحیمی موسوم گشته اند . ( ۱ )

---

۱ - در تهیه این شرح حال از منابع و مآخذ ذیل استفاده گردیده است :

یادداشت‌های متصاعد الی الله جناب شاه خلیل الله رحمانی فارانی

خاطرات جناب بشیر رحمانی فارانی ملقب به مفتون

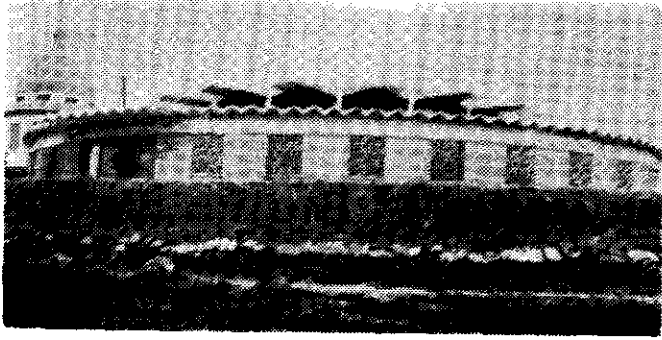
خاطرات جناب محمد قلی رحیمی

خاطرات جناب اسدالله رحیمی

تاریخ احبای خراسان به قلم جناب آقا حسن فوادی

تاریخ خطی احبای بشرویه بقلم جناب حبیب الله

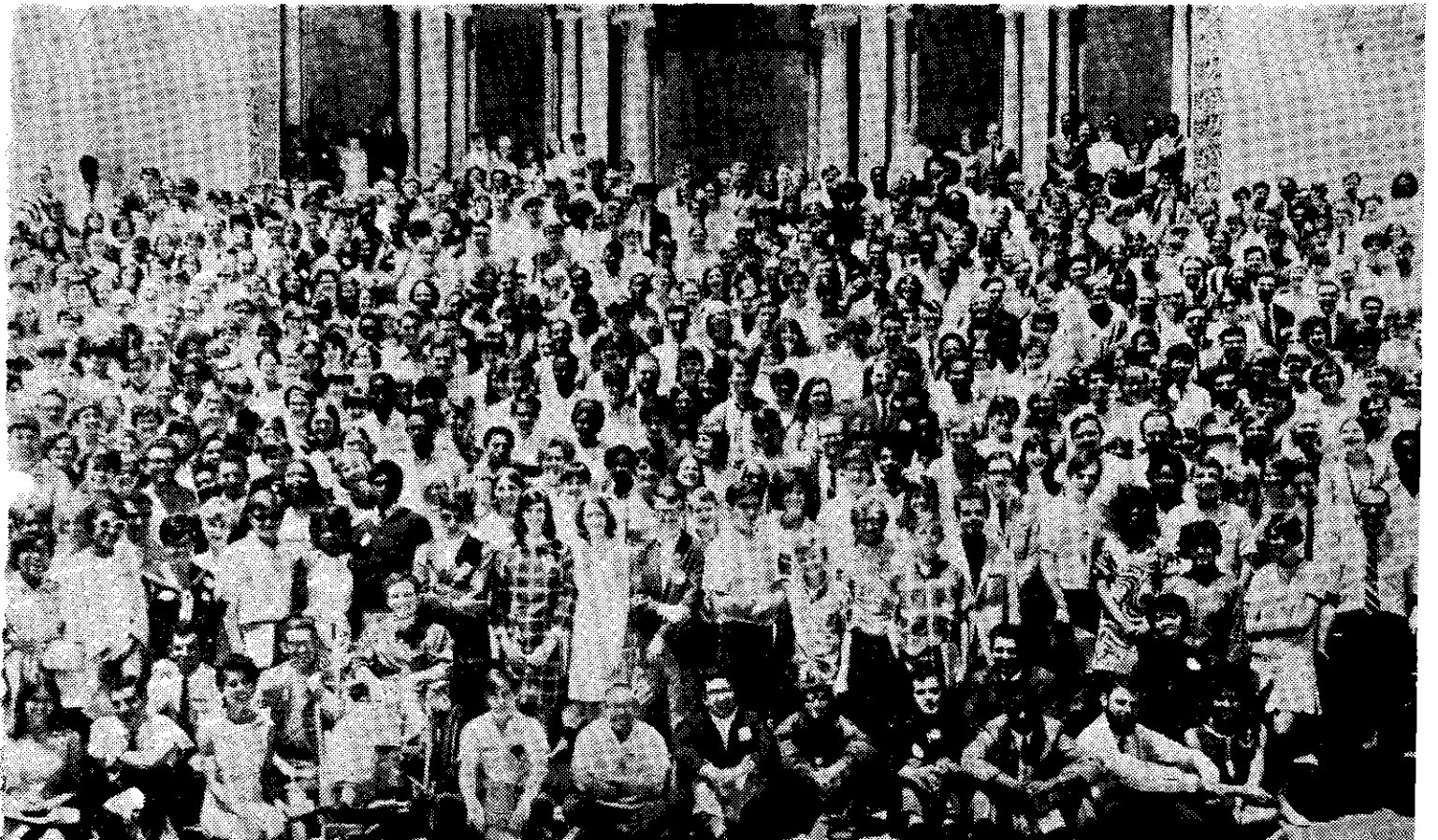
راهنمایهای فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری

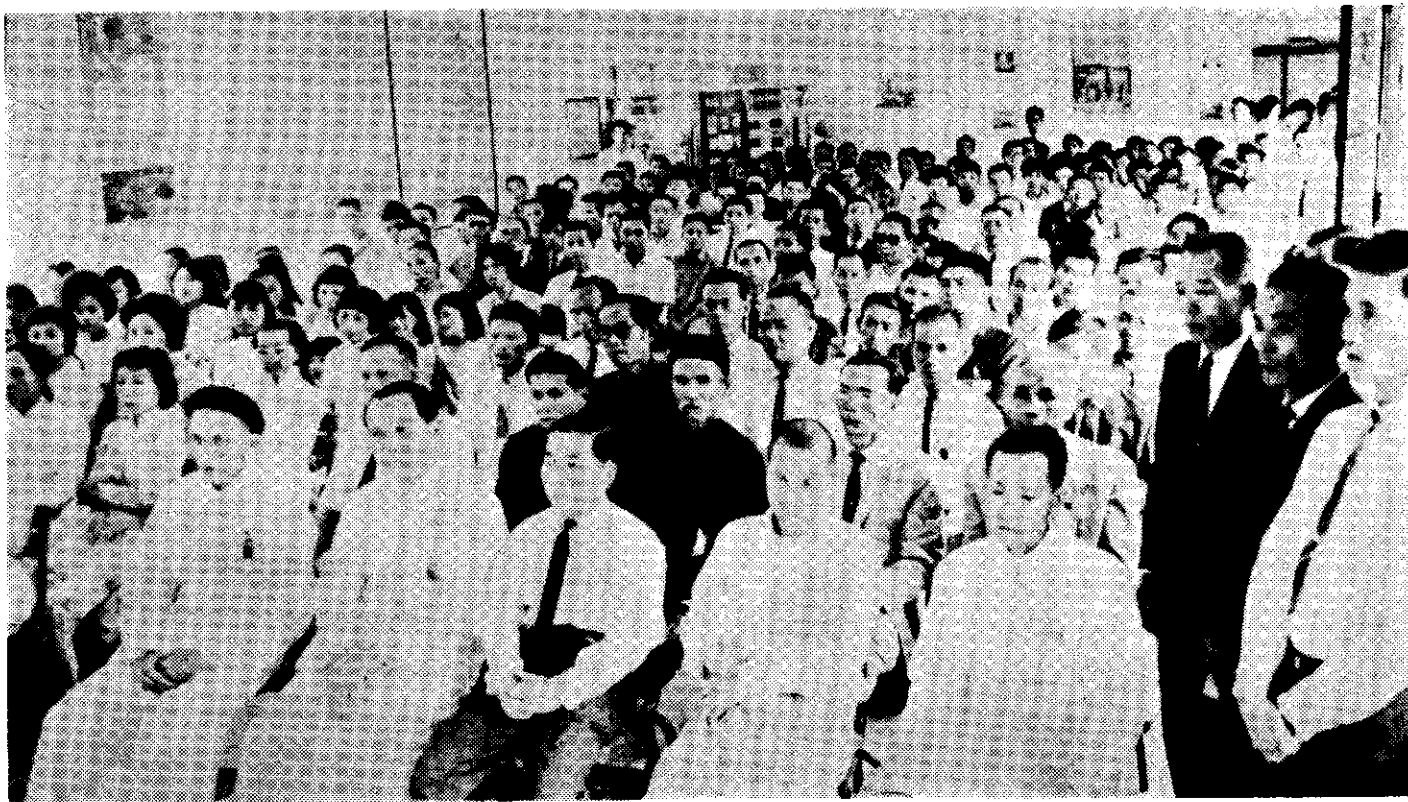


# اخبار محمود

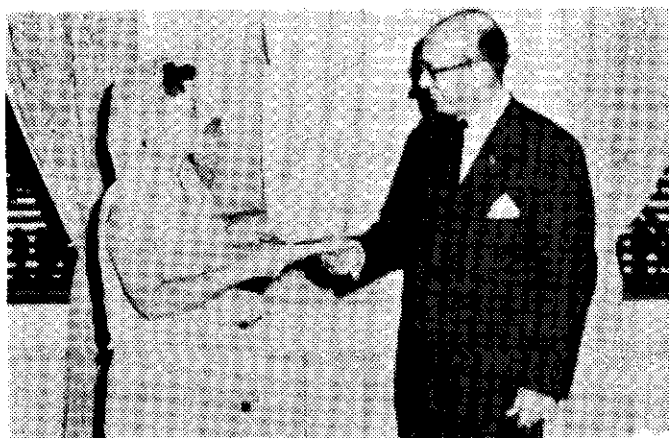
حظیره القدس جدید البنا\* یوگاندا در کامیشالا

بنابعد دعوت محفل ملی امریکا برای اولین بار بیش از ۵۰۰ نفر از جوانان بهائی از ۳ ایالت امریکا - کلمبیا و کانادا در ویلمت مجتمع و اولین کنفرانس ملی جوانان بهائی را به مدت دو روز بمنظور بحث در مسائل مختلفه امری و تشدید فعالیت جوانان در پیشرفت امرالسه برگزار نمودند. در جلسه افتتاحیه کنفرانس اعضای محترم محفل ملی حضور داشتند و جناب دکتر فیروز کاظم زاده رئیس محفل ضمن ادای خیر مقدم جوانان را بمسوه لیتهای خطیری که برعهده دارند متذکر ساختند





روز نهم جولای ۱۹۶۸ بمناسبت یوم شهادت حضرت رب اعلی بهائیان ویتنام در مراکز مختلفه آن کشور جلسات بزرگی برپا نمودند . هزاران نفر از احباء و رؤسای مذهبی و ادای ویتنام در نه منطقه سایگون و جیادین در این احتفالات شرکت نمودند . در یکی از این جلسات که عکس آنرا مشاهده مینمائید جناب لولوک رئیس محفل ملی ویتنام بیاناتی در باره حیات و رسالت حضرت باب و علت اعتقاد بهائیان سراسر عالم باینکسه جامعه بشریت عاقبت نجات یافته در صلح و صفا و اتحاد خواهد زیست ایراد نمودند .



فرماندار سورینام که کشوری کوچک و در سواحل جنوبی امریکای لاتین واقع است هنگام سفر حضرت امه البهائیه بآن حضفحات معظم لها را باخوشوقتی پذیرفته کتاب اعلان عمومی حضرت بهاء الله را از دست ایشان دریافت میدارد .

# تاریخچه پیشرفت امرالله در لائوس

بقلم: بیژن (ابوالفضل) بیضائی

۱- از سال ۱۹۵۳ میلادی پیش  
مجلس مقدس روحانی ملی بهائیان  
لائوس کوشید که با مدارک موجوده  
تاریخچه پیشرفت امرالله را در  
لائوس بشکارد. با کوششی که شد  
بعضی یادداشتها تکمیل گشت  
ولکن تاکنون متنی کامل تهیه  
نشده است. آنچه بهر حال  
در اینجا نوشته میشود نظری  
است سطحی به کلیه وقایعی که  
از بدو تأسیس امرالله تا کنون  
در لائوس اتفاق افتاده و کلاً  
شاهد غلبه و پیشرفت امراللهی  
در آن سامان میباشد.

۲- از جمله در یکی  
از یادداشتهای تهیه شده  
چنین نوشته شده:  
"از لائوس اصلاً نه در فرمان  
تبلیغی حضرت عبدالبهاء و نه  
در نقشه ده ساله مولای محبوب  
ذکری شده بود. این ید قدرت  
اللهی بود که انوار هدایت خویش  
را بر این سرزمین خضوع و خشوع

بتابانید سرزمینی که هنوز  
میبایست مراحل از ستیز و آشوب  
را طی نماید"

۳- شایان یادآوری  
است که لائوس تا سال ۱۹۵۴  
که استقلال یافت بمدت ۶۱  
سال از جمله ممالک مستعمره  
فرانسه در هندوچین (ویتنام  
کمبوج - لائوس) بود و بدین  
است پس از استقلال دارای -  
خط مشی جدیدی شد و بهمان  
نسبت نقشه الهی نیز برای این  
سرزمین مستعد متضمن  
برنامه های مخصوص گشت.

۴- اول کسی که برای  
اشاعه امراللهی به هندوچین  
رفته معلم نیست ولی از آنجا  
که حضرت ولی امرالله هندو  
چین را در نقشه ده ساله از  
جمله ممالکی قرار فرموده اند که  
تا قبل از افتتاح نقشه فتح شد  
و میبایست در ضمن اجرای  
نقشه مستقیم شود. میتوان دریافت

که هندوچین (شامل لائوس)  
تا قبل از ۱۹۵۳ فتح شده  
است. در ضمن تحقیقات و  
ملاحظه مدارک موجوده تاکنون  
قرینه ای بدست نیامده که معنی  
نماید چه شخصی قبل از ۱۹۵۳  
به هندوچین لاجل تبلیغ امرالله  
رفته است ولی وجود چنین  
مدرکی محتمل است.

آنچه بر همه ما مسلم است  
این است که جناب جمال افندی  
و ایادی امرالله جناب مصطفی  
روسی ( رنگونی برمه ای) در -  
صفحات جنوب شرق آسیا برای  
مدتی و هریک در محله ای  
معینی سیار بوده اند. البته  
این مطلب آن قرینه ای نیست  
که کمک نماید که بدانیم اول -  
نفسی که برای اعلاء کلمه الله  
به هندوچین آمده که بوده  
است.

بهر حال چون مطلب اصلی  
ما لائوس است که از سال

۱۹۵۴ یعنی يك سال پس از شروع به اجرای نقشه ده ساله مستقل شد لذا تمرکز مطالب روی آن خواهد بود .

۵ - در نیمه دوم سال ۱۹۵۵ حضرت ولی امرالله در اشاره به لائوس ضمن تلگرافی که به عالم بهائی مخابره شد فرمودند که مملکت جدیدی به نام دایره ممالک مفتوحه افزوده شده . این بهمت جناب دکتر حضرت الله تائید بود که در ماه جون ۱۹۵۵ وارد لائوس شدند ایشان بعد از شش سال که با خانواده خود در لائوس مهاجر بودند آنجا را ترك گفتند . در ضمن این شش سال مهاجرین دیگر ایرانی و امریکائی به لائوس آمدند و هر يك کوششهای بقدر وسع و تجربه خود نمودند و نتایج مفید نیز بدست آمد .

از جمله يك سلسله اجلازه نامه های که دولت لائوس صادر کرد و در آن بجامعه بهائوسی اختیار داد که اشاعه تعالیم و طبع و نشر آثار و بنیادان حظیره القدس و مشرق الانکار بنماید و با تسجیل نمودن محفل روحانی محلی وین تیان که در رضوان ۱۹۵۸ تشکیل شده بود بآن شخصیت حقوقی داد که از نتایج آن حق تملك اموال غیر منقول بنام محفل بود .

توفیقات دیگر در داخله امر تأسیس چهار محفل روحانوسی محلی در چهار شهر عمسده لائوس بود دیگر تشکیل کنفرانسها روز ادیان بود که باین وسیله و لاه امر و رو سا از امرالله مطلع شدند . در نتیجه تا سال ۱۹۶۱ که اغلب مهاجرین از لائوس بدلائل مختلفه به اوطان خویش بازگشتند آنچه برجلی ماند شهرت امرالله در مراکز متعدد مملکت بود و اجازه نامه های که دولت بجامعه امر اعطا کرده بود .

افراد فعال جامعه امر بعضی به خاطر جنگهای داخلی و بعضی بخاطر ادامه تحصیلات عالی یا کسب و کار از مراکز اصلی خود منتقل شدند و توسعه دامنه جنگهای داخلی باعث قطع ارتباط با مراکز امریه گشت و این حالت از اگوست ۱۹۶۱ تا ژانویه ۱۹۶۳ بمدت یکسال و نیم ادامه داشت و در این مدت دوشیزه بهیه سهیلی تنها مهاجری بود که در وین تیان ( پایتخت ) مقیم بودند و جلسات مختلفه امریه بهمت عالی ایشان مرتباً دایر بود .

۶ - نکته دیگر که ذکر آن در این مختصر نباید فراموش شود ورود احبای عزیز سیار ایرانی و امریکائی بود که با ملاقاتهای کوتاه خویش قوای

محرکه بدیعی به بیکر جامعه جدید التأسیس امر در لائوس میدیدند . اینان که اکنون بعضی هنوز در دایره خدمات بین المللی امرالله قائمند از جمله مظاهر خدمت و عبودیتی بودند که برای همیشه از سرمایه های روحانی امرالله در لائوس به حساب خواهند آمد .

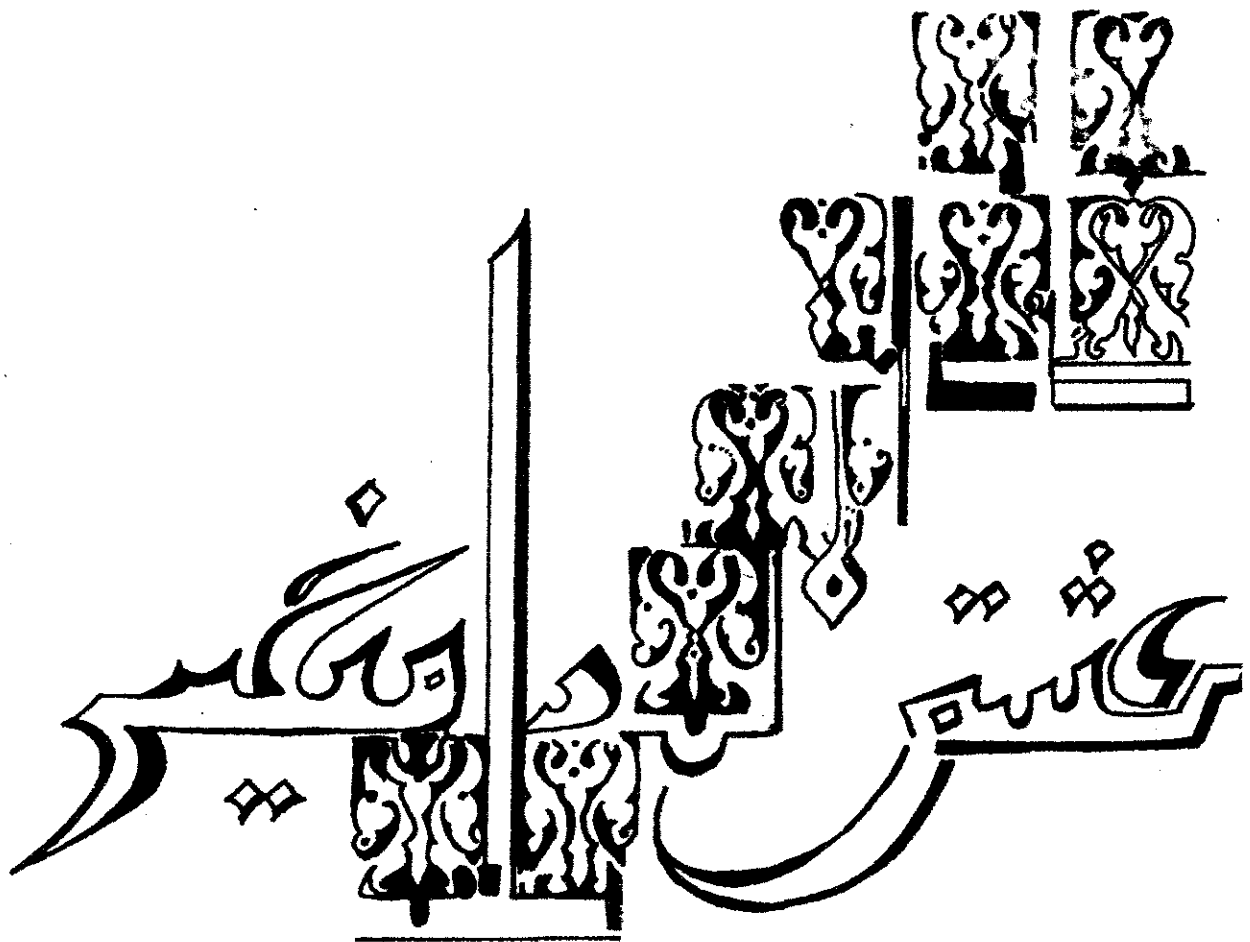
۷ - در دسامبر ۱۹۶۲ ( آذر ۱۳۴۱ ) جناب فریدون میثاقیان از طهران به لائوس هجرت نمود و معاضدت دوشیزه بهیه سهیلی اوضاع امری وین تیان رونقی تازه گرفت و این رونق ادامه پیدا کرد .

بعد از رضوان ۱۹۶۴ که حین افتتاح نقشه نه ساله بود جناب میثاقیان بقبائل شمال لائوس روی بنمود و در شهرهای شمالی مراکز متعدده تشکیل شد یعنی قبائل شو و یائو به ظل امرالله درآمدند .

در واقع فکر تبلیغ قبائل از سال ۱۹۶۱ و قبل از خروج عمده مهاجرین ایجاد شده بود و عده ای از افراد و رو سا مهم قبیله شو و یائو که در وین تیان بودند بهمت مهاجرین عزیز بامرالله اقبال نموده بودند ولی اقبال دسته جمعی قبائل از ماه می ۱۹۶۴ یعنی در ابتدای نقشه نه ساله در شهر







از بی بی جان مخلص به حیاتی

شحنه عشقش گریبانم گرفت  
 رهنز دین گشت و ایمانم گرفت  
 گرچه مشک بود آسانم گرفت  
 تحت و فوق کاخ و ایوانم گرفت  
 آتشی در خرمن جانم گرفت  
 غنچه دل از گلستانم گرفت  
 در میان آب حیوانم گرفت

عشقش آمد دامن جانم گرفت  
 عشوه ای فرمود چشم کافرش  
 رشته ای در کف ز زلف سرکشش  
 آفتابی گشت تابان از مهش  
 از شرار برق آه سینه سوز  
 بس ز گلهای بی وفائی دیده ام  
 چون "حیاتی" عاقبت لعل لب

# اسناد

## و مدارك

### CIRCULAR LETTER FROM THE SHANGHAI BAHAI'S

مطابق ذیل از نشریه ای امری که در اوائل دوره ولایت امرالله در شانگهای چین انتشار یافته نقل شده است . چون این نشریه از جمله مطبوعات قلیله ای است که در آن اقلیم نشر شده مطالب آن عینا جهت آگاهی و استفاده خوانندگان عزیز آهنگ بدیع درج میگردد .

各地八海(巴海)同志

上海八海(巴海)學社啓

چین در فهم خط متفقد ( در سرمقاله و این عبارت درج شد :

" تا حال هر چه مجله با سما" مختلفه طبع شده اکثر با قوه" صاحبان سیاست و ثروت و خادم افکار آنها بوده ولی این مجله ( بهائیس ) خالی از غرض فقط تعلیمات محبانه حضرت بها" الله را که خادم عقائد صحیحه باعث سعادت عامه و مطابق با افکار حسنه" شما است شرح خواهد داد . البته شما نیز بقدر امکان به ترویج و تأمین آن سعی خواهید کرد "

( تکلیف آنهایی که عشق ابلاغ کلمه الله به هشتصد کرور نفوس چینی دارند واضح است . تا این مجله دوام کرده قصد کل را اجرا نماید قسم

حضور نورانی محافل روحانی بهائیان

بعد از تقدیم مراسم عبودیت در آستان مقدس عرض میشود اگر چه سیاحان و تجار بهائی زیاده از نوزده سال است که در شانگهای عبور و توقف نموده بواسطه آنها جمعی کتیری به امر مبارک مطلع و مصدق گشته اما تأسیس امری نشده تا این ایام به تشویق حضرت ولی امر الله ترتیبی برای اجتماع بهائیان در عصر روزهای شنبه ( در منزل یکی از احبایه ) معین شد تا امیاب محل مخصوص فراهم شود و یکی نقشه برای انتشار مجله با خط چینی کشیده و نمره" مقدماتی اوبه قلم جناب پروفیسر زوسمن کوریائی و جناب معلم ری چینی طبع ( با وجود اختلاف تلفظ اهللسی

شروع به مقدماتش هم شده چون این کتاب مخصوص ایرانیان و اول دفعه است که طبع میشود بهر قدر در صحت عنوانها و تفصیل مطالبش سعی شود مطلوب و مرغوب عموم خواهد شد لهذا معاونت همه را در مسائل ذیل یکی نوشتن مقاله های مفیده از اقتصاد و اعتقاد قدیم و جدید ایرانیان با ملاحظه \* حکمت و یکی تعیین يك نفر وکیل برای کلیه \* امور راجع به این کتاب از فرستادن آدرس جمع کردن اعلان فروختن کتاب و انتشار او در آن اطراف مسئلت مینمائیم .

.....

مرحمتا آدرس محافل و اشخاصی که ممکن است رأسا مکاتبه نمود برای ما هم بفرستید .

فارسی آن هم بر وفق حال ایران علی و وجه آبرونه آن در هر محل به محفلش محول شده که به هر کس مفید و ممکن الحصول شود .  
به هر حال بر همت دوستان ایران خصوصا خراسان تشکر باید نمود که فشار ملا نمایان مانع از بروز غیرتشان در خدمت مقصد نگشته .  
دیگر بملاحظه اینکه ترویج معارف جدید و تأسیس ترتیبات نافع در همه جای عالم عموما و در ایران خصوصا بقدر امکان فریضه \* ماها میباشد برای انجام این مقصد بعد از حصول اجازه \* مبارک و مشورتهای مفصل به تألیف کتابی باسم ( معارف تجارت و صنعت ایرانیان ) که سبب بزرگ برای مربوط کردن ایرانیان به ترتیب تازه \* عالم و افتتاح باب الفت با دیگران تواند شد قیام نموده



لجنه جوانان بهائی نوریز - سنه ۱۲۵ بدیع

# گفت و شنود

آهنگ بدیع صفحه "گفت و شنود" را گشود با این امید که دوستان و خوانندگان آهنگ بدیع در مسائل گوناگون و جنبه های مختلف مجله با ما مکاتبه کنند و مطالبی و نظرات خود را با ما در میان گذارند. این اقدام در نظر ما چند فایده داشت و از این پس نیز میتواند داشته باشد.

اول اینکه اگر دوستان سوالاتی داشته باشند که دلیل باشند در آهنگ بدیع درج و از طرف سوالات الان مجله با همکاری دانشمندان امر با آنها جواب گفته شود چنین صفحه ای برای این منظور بسیار مناسب است.

دوم اینکه قطعاً خوانندگان صاحب نظر و صاحب ذوق میتوانند با اظهار نظر در وضع ظاهری و همچنین مداخلات آهنگ بدیع و با ارائه طرق اصلاح و بهبود مجله ما را بسوی پیشرفت و ترقی که آرزوی مشترک همه دوستداران آهنگ بدیع است یاری کنند.

سوم و شاید مهتر از همه اینکه ما میخواستیم و هنوز نیز علاقهمندیم که از طریق صفحه گفت و شنود با خوانندگان آهنگ بدیع روابطی صمیمی تر ایجاد کنیم و در پرتو این صمیمیت مطمئن تر و امیدوارتر در راه خود گام برداریم.

آشکارا باید اذعان کنیم که نمر مطلوب را تا کون از گشودن این صفحه حاصل نکرده ایم و این را حمل بر این نمیکیم که دوستداران آهنگ بدیع حاضر به همکاری با سوالات تهیه این نشریه نیستند و نیز این را حمل بر این نمیکیم که در کار ما نقص و قصوری نیست تا کسی بآن اشاره کند و راه رفع آن را بمان نشان دهد و همچنین اینرا ناشی از این میدانیم که دوستان و خوانندگان مسأله ای را برای طرح و سرریش ندارند. ابد چنین اعتقادی نداریم.

در عین حال علاقهمندیم که علت این کم التفاتی را بدانیم و در این مورد مجبوریم بحدس و گمان متوسل شویم که متأسفانه میزان صحیحی برای قضاوت مان نمیتواند

باشد. چکنیم که این تنها راه ما است. گمان می‌کنیم در بین دوستان ما کم حوصلگی حکمفرماست که ایشان را از تحرك بحث و اظهار نظر درباره این نشریه و شاید درباره خیلی مسائل دیگر باز میدارد. این کم حوصلگی بوسیله پیشرفت همه امور جامعه امر بطور عام و برای بهبود نشریه آهنگ بدیع بطور خاص زیان آور است.

ما بجان و دل مشتاقیم که فکر ذوق و سلیقه همه دوستداران و خوانندگان آهنگ بدیع در تهیه این نشریه سهیم شود و این جز از طریق اشتراک مساعی همگانی میسر نیست.

باز هم بامید حصول این آرزوی شیرین این سطور را مینویسیم و چشم به راه دریافت سوالات مقالات اشعار پیشنهادها و نظرهای دوستان میباشیم تا در آینده این صفحه را به صفحه "گفت و شنود" واقعی تبدیل کنیم نه مانند این بار که تنها به "گفت" قناعت کردیم.

هیئت تحریریه



کلاس تزئیند معلومات امری جوانان نی ریز - سنه ۱۲۵ بدیع

چشمان عبدالبهاء ( بقیه از صفحه ۲۱۲ )

نواحی را بناچار ترك كردیم دریایان این مقال مناسب است که قسمتی از نگاشته ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی را نقل کنیم :

" براستی انسان متحیر است که چگونه شکر آستان مولای فقید عظیم را بنماید که باغبان احدیت بود و طراحى گلهای معارف فرمود جام صهبای محبت را بدور آورد و عاشقان را آن چنان سرمست فرمود که امروز از هر سستی صوت تهلیل و تکبیر بلند است و از هر کرانه ای آهنگ تسبیح و تقدیس مرتفع هر گوشه ای از جهان خاک را شور و لوله ای بخشید و هر بیشه ای نعره پر اندیشه ای بلند فرمود او بود که این طیور ملکوتی را در نغمه و آواز - مشغول و بلبلان توحید را در هر گلشنی بگلبانگ معنوی دمساز بداشت آفاق را به اهتزاز آورد و اقطارشاسعه کره خاک را بصیت و آوازش دمساز و ذرات وجود را در اوج موهبت بیرواز مفتخر فرمود . "

تبلیغ در این کشور و کشورهای دیگر خیلی آسان میباشد ولی این تبلیغ احتیاج بعدی بآموزش دارد همانطور که نشاندن يك نهال سهل است ولسی سقایه و پرورش و بنمر و میوه رسانیدن آن پشت کار و همت و مداومت میخواهد تبلیغ نیز چنین است و این غم ما را در بر گرفته است که چه کسانی و در چه زمانی میتوانند یار و یاور ما در آموزش این عزیزان تازه تصدیق باشند .

.....

تاریخچه پیشرفت امرالله در لائوس ( بقیه از صفحه ۲۲۴ )

جنجالهای سیاسی که هنوز هم ادامه دارد این عده قلیله بدور افتاده ترین نقاط و بکلیه شهرها و مراکز شتافتند و پیام حیات بخش الهی را به کلیه نفوس ابلاغ نمودند و جم غفیری هم به عنایت الهی به ظل این خیمه عالم گیر وارد شدند .

بدیهی است که این توه قدسیه الهیه در مراحل توسعه خویش بدون وقفه در جریان پیشرفت و ارتقاء خواهد بود و عالم را فرا خواهد گرفت . پس خوشا بحال آن نفوسی که برای بقای حیات نوع انسان سهمی در بسط و انتشار این توه الهی بین نفوس بشری بعهده گرفته و باین وسیله ثابت نموده اند که قابلیت هدایت و رهبری نوع انسان و حمل امانت الهی را خواهند داشت .

توضیح و تصحیح

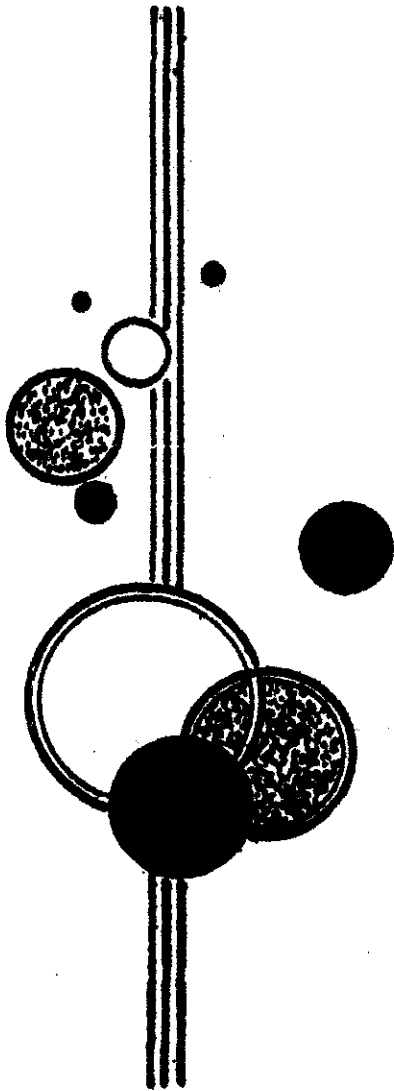
۱ - مقاله " تربیت الهی اساس علم است " که در شماره گذشته نشر یافت در اصل به قلم ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی بوده که متأسفانه نام ایشان ذکر نشده است .

۲ - در توضیح ذیل صفحه ۱۶۴ شماره ۵ و ۶ سال جاری نام جریده چهره نما به سهو " چهره نگار " آمده است که البته خوانندگان گرامی خود متوجه شده و آن را اصلاح نموده اند .

# قیمت نوجوانان

## مطالب این قسمت

بیان مبارک جمال قدم جل جلاله - شیرین تر  
از رو یا - شرح شهادت آقا علی اکبر حکاک  
قی - سرناز شجاع - شیخ چلی و شیطان -  
چهره های موفق - موسیقی و کتدم - جواب  
مسابقه شماره ۱۱ و ۱۲ - مسابقه این شماره  
منتخباتی از سخنان ولتر.



حضرت بهاء الله میفرماید:

ای بندگان

از کردار بد پاک باشید و بچهار پروردگار رفتار کنید

اینست سخن خداوندگیتا .



# شیرین تر از رویا



بقلم فریده سجانی

لحظات انتظار همیشه دیر است اما این بار کوهی چرخهای زمان از حرکت باز ایستاده بود . غرش هواپیما یکسواخت و خسته کننده بود هر چند ظاهراً گرم صحبت بودیم اما فقط یک سو ال برای هر سه نفر ما مطرح بود پس چرا نمیرویم ؟ و این سؤال در آن روز - شاید از خاطر بیش ازینجا به نفر از سایر آشنایان نادیده ما گذشته بودج آشنایانی که چون ما هر یک از دیگر دیاری قصد ره کرده بودند تا در قلب عالم بیکدیگر بییوندند و در تجوار عروس کرمل میهمان مرکز جهانی بهائی و میهماندار جمع گیری از زائرین و طائفین حول حرم اقدس باشند .

بالاخره هواپیما در فرودگاه لیدا بر زمین نشست . مسافت بین تل آویو و حیفا را در رو یاهای شیرینی که بزودی به حقیقت شیرین تری می پیوست گذراندیم و زیر تابش آفتاب گرم اواخر مرداد ماه اسفالتهای داغ و تب کرده حیفا را بقصد قلب کرمل پشت سر گذاشتیم . همه چیز با طراوت بود و جان داشت . گویی درودیوار و سنگریزه های خیابان هم زنده بودند . براستی در همه چیز آثار حیات دیده میشد چون بخود آمدیم گبندی زرین در نهایت شکوه و زیبایی مقابل خود دیدیم آری این دیگر حقیقت داشت . . . انتظار به پایان رسیده بود .

از آن دقیق هیچ چیز را بخاطر نمیآورم جز لحظه ای که سر بر آستان مبارکش نهاده بودیم . حالت عجیبی بود . نه خنده بود و نه گریه نه غم بود و نه شادی . عالمی بود وصف ناشدنی عالمی که فقط باید آنرا احساس کرد .

طی آن شب و روز بعد بتدریج دوستان دیگر ما از راه رسیدند و ما که هرگز یکدیگر را ندیده بودیم گویی سالهاست که با قلب یکدیگر آشنا هستیم . خیلی زود با برنامه کار و وظائف خود آشنا شدیم و مشتاقانه چشم براه ورود زائرینی بودیم که می بایست پس از خاتمه کنفرانس پالرمو وارد ارض اقدس شوند . با ورود اولین دسته زائرین چهار شهر تغییر کرد و فضای آرام شهر ساحلی حیفا را طنین " الله ابهی " پر نمود . درهای



مقامات مقدسه از بام تا شام بروی زائرین باز بود . زیارت میکردند و از جلم الت سرمست میشدند و شب هنگام که تاریکی و سکوت بر همه جا سایه میگسترده و از گوشه و کنار باغ و از لابلای درختان الحان شیرین مناجات شنیده میشد .

برنامه زیارت اماکن مقدسه با نظم خاصی اجرا میشد . احبای دسته دسته با اتوبوسهای مخصوص به صوب عکا حرکت میکردند و در سجن اعظم به زیارت اطایق که جمال قدم مدت دو سال در آن محبوس بودند و بیست عبود محل نزول کتاب مستطاب اقدس و محل اقامت هفت ساله جمال مبارک نائل میگشتند . از آنجا رهسپار اطایق صعود حضرت بها<sup>۱</sup> الله در قصر بچی میشدند . در مقام مبارک جمال اقدس ابی - قبله گاه اهل عالم به راز و نیازی پرداختند . ای کاش شما هم آنجا بودید و میدیدید که چگونه عشاق با و خایش هر یک از راهی و دیاری و از رنگ و نژادی حتی نا آشنا بزبان یکدیگر از اقصی نقاط عالم گرد آمده بودند تا از جلم محبتش سرمست گردند . یکی در سکوت میگریست دیگری از شوق وصال می خندید یکی سر بر آستان می نهاد و دیگری قدم از درگاه نثر فراتر نمی گذاشت . هر کس بدانگونه که میخواست با محبوب سخن میگفت . با مشاهده این افراد بظاهر متفاوت که همه یک عشق در دل و یک هدف در پیش داشتند . تعلیم " وحدت عالم انسانی " را بیاد میآوردم .

در مراجعت از عکا زائرین بسوی دارالاناری شتافتند و با زیارت شمایل مبارک حضرت نقطه اولی و حضرت بها<sup>۱</sup> الله به فیض لقای محبوب دل و معبود جان فائز میشدند .

روز سی و یکم اگوست جشن صدمین سال ورود جمال مبارک به ارض اقدس در باغ روضه مبارکه در عکا برپا شد . احبای دسته دسته به طواف مقام مقدس حضرت بها<sup>۱</sup> الله می پرداختند . آفتاب گرم و سوزنده بود اما یارای آن نداشت که چشمه های اشک شادی را که از شوق قرب کوی دوست در دیدگان می جوشید بخشکند . در آن روز تاریخی ما امة البها<sup>۱</sup> روحیه خانم سایر حضرات ایادی امرالله و اعضای محترم دیوان عدل اعظم الهی را در میان خود میدیدیم . هنگامی که امة البها<sup>۱</sup> بالهجه شیرین فارسی قصیده معروف " ای چشم توروشن . . . " را از لسان حضرت مولی الوری در وصف جمال قدم خواندند علی الخصوص احبای عزیز فارسی زبان غرق در نشاط و سرور گردیدند . روحانیت این جشن با تلاوت زیارت نامه بزبان

عربی به اعلیٰ درجه خود رسید .

اهمیت چنین اجتماعی از دیده دیگران نیز پوشیده نماند . جراید مختلف اسرائیل هر يك به نحوی با عکسبرداری و تصویلات در باره این روز تاریخی و همچنین در باره امر جهانی بهائی به قلمفرسائی پرداختند . از جمله روزنامه " پست اورشلیم " مقاله مشروحی تحت عنوان " زائرین بهائی به مناسبت صدمین سالگرد ورود یوهابی که وحدت بشریت را تعلیم داد بر مزار او گرد آمده اند " انتشار داد و روزنامه " استاندارد " مقاله مشروح خود را با عنوان " پیام امیدبخش تازه ای از زندان " شروع کرد .

طی اقامت زائرین در ارض اقدس چندین بار جشنهای با شکوهی از طرف سازمان توریستی اسرائیل در زیباترین هتل‌های حیفا برپا شد . در یکی از جشنها جمع کثیری از بیانات حضرات ایادی امرالله مستفیض گردیدند . در میهمانی دیگری مشهورترین هنرمندان اسرائیل سرودها و ترانه های بسیار زیبایی به افتخار دوستان بهائی خواندند .

از وقایع تأثر انگیز این دوران صعود ایادی عزیز امرالله جناب طراز الله سمندری بود . به فرموده امه البها " صعود ایشان در چنان موقعی و در چنان محلی تصادفی نبود مقدر بود که مردم از سراسر جهان برای شرکت در تشییع جنازه مردی که برای نشر تفحات الهی به تمام دنیا سفر کرده بود حضور یابند . بالاخره زائرین دسته دسته از حیفا خارج میشدند و ما نیز باید بزودی این شهر مقدس را ترک میگفتیم . طی چند روز باقیمانده فرصت را از گم ندادیم . علاوه بر زیارت مقامات مقدسه در حضور حضرات ایادی امرالله و اعضاء محترم دیوان عدل الهی بودیم از آنها میپرسیدیم و راهنمایی میخواستیم . پاسخ میگفتند و راه - مینمودند .

اما شب وداع دیگر شبی بود . این بار حضرت روحیه خانم حضرت ایادی امرالله و رجال بیت العدل اعظم و کلیه احبای مقیم ارض اقدس میهمان ما بودند . و براستی میزبانان خوشبختی بودیم . در آن شب برای آخرین بار از بیانات امه البها " و یکی از اعضای بیت العدل اعظم بهره بردیم \* دوستان ما نیز با آنچه از ذوق و هنر مایه داشتند بر نشاط جشن افزودند و چون پاسی از شب گذشت میهمانان عزم رفتن نمودند هنوز کسی از در خارج نشده بود که سرود الله ابهی در سالن طنین انداخت همه برجسای ایستادند و همراهی کردند . سرود به پایان رسید ولی هیچکس از جای خود حرکت نیکرد . این بار حضرت روحیه خانم از ایادی امرالله " مسترالینگا " خواستند که مقابل جمعیت بیایند و فرمودند بگذارید همراه الینگا بخوانیم . یکبار دیگر همه با هم شروع کردیم . نوای سرود لحظه به لحظه اوج میگرفت . يك دنیا شکوه و عظمت بود . يك دنیا احساس بود و يك دنیا شکوه از جدائی . گویی نوا از عالم دیگری برمیخاست و در دلها شور میافکند .

چون سرود به پایان آمد لحظاتی چند همه برجای ماندند و بعد لحظه وداع فرا رسید . هر يك دیگری را در آغوش میفشرد و میگریست . چه غم انگیز بود شب وداع . ما از یکدیگر جدا شدیم تا هر يك در گوشه ای از جهان ندای یا بها " الابهی بلند کنیم . پراکنده گردیم و بذر خوشبختی در همه جا بیفکیم . آخر ما بیمان مهاجرت بسته بودیم .

# آقا علی اکبر حکاک قمی

آقباس از تیغ شهدای یزد

دهد ولی فرایشان مناعت و امر میکند همیشه را از دهانه توپ باز و نزد وی میبرند و در نهایت محبت و مهربانی بنای نصیحت و التماس را مینمایند و سایر اجزای نیز به او تاسی نموده يك يك مجدداً خواهش تبری میکنند ولی جوانی نمی شنوند و جز مایوسی کامل نتیجه حاصل نمی نمایند لذا امر می کنند مجدداً توپ را پر کرده و از طرفی میفرستند عیال آن حضرت را با طفل چهار ساله شان میآورند که شاید علاقه به آنها مانع از فداکاری گردد و عیال دلیر او که لباس فاخر در برداشته با طفل خود در مقابل او حاضر میشوند و اظهار میدارد که من با این کودک چهار ساله چه کم رحمی به حال این طفل بفرما ابداً جوانی به آن محترمه نداد، در حالی که ایستاده بودند زوی خود را به طرف دیگر بر میگردانند، مجدداً آن عیال و طفل در مقابل روی آن حضرت ایستاده به گریه و زاری مشغول و به الحاح و التماس میپردازند، در دفعه دوم نیز زوی خود را بر گردانده پشت بپوشد و طرف ایشان میکنند، دفعه سوم این عمل تکرار میشود و طفل دیده دامن پدر خود را گرفته بویا لحنی جگر خراش میگوید " آقا جان مگر تو مرا دوست نداری و دیگر مرا نمی خواهی ؟ " در این حال آنحضرت

آقا علی اکبر حکاک از مؤمنین با ائمه ظاهرین مبارک حضرت نقطه اولی و به حسن صورت و عیبت معروف و در صنعت حکاکی فرید زمان خوش بود در ۲۷ رمضان سنه ۸ ظهور به جرم ایمان به ظهور قائم موعود مورد هجوم اشقیای واقع و بسری مجازات او را بسینه سرای حکومتی می برند . از آنجائی که ایشان با حسن سلوک و اخلاق خویش یار و اغیار را مجذوب خود نموده بود اعضا حکومت مایل به قتل ایشان نبوده و اصرار زیاد در تبری مینمایند . ولی چون اجتناب استقامت و ثبوت و امتناع از تبری چیزی مشاهده ننمودند مصمم و مجبور بر قتل گشته ایشان را به حسینیه شاهراه می آورند و توپ را حاضر و در مقابل ده هزار تن تماشا نمایان و به حکم حکومت بدو برای تحذیر و ترس مشارالیه در دهان توپ خالی می بندند و حضار محو جمال و کمال و استقامت و شجاعت آن جوهر ثبوت و رسوخ گشته در این حال که بسینه دهانه توپ بسته بوده اند تمام عمال حکومتی فرد فرد حاضر و هر يك با التماس تقاضای تبری می گفتن مینمایند که ایشان را از گشتن رهائی دهند و چون چاره نشد و نتیجه نمی گیرند توپچی می خواهد ماسوره را روی توپ خالی گذارد و آتش

روی مبارکشان را بطرف آنان نهاده به درگاه خداوند التماس میکنند: " ای پروردگار بیش از این مرا امتحان مفرما "

در این حال رقت و تأثر فوق العاده ای به فرایشی دست میدهد که بی اختیار اشکس سرازیر و بگریه بی پردازد و عده دیگر از اعضای حکومتی و حضرات نیز به گریه بی افتند و سایرین با حال حزن و اندوه فوق العاده ای منتظر نتیجه میشوند بالاخره بعد از مایوسی کامل در حضور زن و فرزند چهارساله آن معدن شجاعت و استقامت را به دهان توپ می بندند در حالی که طفل صغیر متصل گریه نموده و میگوید مرا ببرید بیش پدرم بالاخره عیال و طفل صغیر ایشان را عقب زده تویچی فشنگ را آتش زده روی توپ میگذارد ولی توپ روشن نمیشود و مجددا فشنگ میگذارند باز هم توپ بیرون نرفت فرایشی در این حال نزد آن حضرات رفته اظهار میکند آقا علی اکبر همچنان که ما

نیخواهیم شما کشته شوید خدا هم نمی خواهد بیاید و در حق این طفل رحم کنید حضرات تحیر و تویچی متفکر که این چه استقامت و ثبات است . باز طفل و عیال آن حضرت مجددا با حال گریه یا التماس بی پردازند نتیجه ای حاصل نمیشود بالاخره در حضور ده هزار مرد و زن و کودک توپ را مجددا آتش زده آن حضرت را شهید مینمایند و قطعات جسد آن حضرت و تا غروب پایمال عابرین بود بعد برادر عیال ایشان آقا ملا باقر با یکی دو نفر از بستگان نشان قطعات جسد را که جز سر و رو و دو دست چیری باقی نمانده بود آنها هم از ضرب باروت پایمال شده بود جمع آوری و در مقابل در بقعه الخضراء مشاهده عمومی در گوشه قبرستان قدیمی مدفون ساختند و من مبارکشان دریم شهادت چهل سال بود .

# سرباز شجاع

ترجمه و نگارش: ا. ا. ظهیری

«... این نفوس سپاه آسمانی تواند اعدا و فرما و بچنود

علاهی نصرت کن... ای خدا ظمیر و نصیر آنها باش

در میانان و کوه و دره و جنگلها و دریاها و صحراها مونس

آنها باش... » حضرت عبدالهباد

در شماره قبل طی مقاله ای تحت عنوان " کاروان " خوانندگان گرامی با گروهی از این سپاه آسمانی که با قیامی عاشقانه موجب فتح یکی از نقاط نقشه منیعه نه ساله شده اند آشنا گشتند. اینک یکی دیگر از این سربازان غیر امرالله که در میادین مختلفه تبلیغی با وجود موانع و مشکلات فراوان بفتوحاتی عظیم نائل گردیده اند معرفی میشود باشد که با مطالعه این سلسله مقالات یاران الهی خصوصا جوانان جانفشان مهد امرالله بصفوف این سربازان شجاع ببینند و در فتوحات و انتصارات آنان سهیم و شریک گردند.

کوششهایی که برای فتح آن بعمل آمده بود منتج به نتیجه نگشته بود. در این وقت سینیسور ویسنت مونتروما از احبای منقطع گویم آمادگی خود را برای این سفر پرماجرا و خطیر اعلام داشت.

ماه دسامبر بود که این مؤمن مخلص قدم بسوی منطقه عقب افتاده دارین و ناحیه چوکو گذاشت. باین امید که پس از سه هفته بمحل سکونت خود معاودت نماید. ابتدا با قیامی خود را به دهکده کوچکی در جنگل دارین رسانید و از آنجا با بلم مخصوصی که از تنه درخت ساخته شده بود بسا زحمت زیاد مسافتی طولانی طی نمود و به دهکده

اعضای محافل مقدسه ملیه و هیئت معاونت ایادی، پاناما و کلمبیا در طی کفرانس بین القارات پاناما جملگی گرد هم آمدند تا برای حل مشکلی بزرگ و انجام یکی از اهداف اصلیه نقشه منیعه بیت المدل اعظم الهی یعنی فتح منطقه بوی نشیمن، چوکو در کلمبیا چاره ای اندیشند و راهی بیابند. در صحنه پهناور جهان چه بسیار نقاط بکری وجود دارد که در سرزمینهای دور از تمدن جهان امروزی در ورای جنگلها و دره های مخوف پنهان گشته و تا کنون کمتر کسی بآنها دست یافته است. چوکو یکی از همین نقاط میباشد که دسترسی بآن کاری بس دشوار و پر مخاطره است و کلیه

به زحمت متقاعد تصدیق که او را همراه خود ببرد .  
( این بیگانه نامساعد اکنون یکی از یاران خداوند  
بیگانه است )

ویست و همسفرش مدت سه روز بلم خود را در  
جهت خلاف مسیر رودخانه میرانند . دستهای  
ویست دیگر از کار افتاده و با تاولهای دردناک  
پوشیده شده بود و چون مسافرت با چنین وسیله ای  
برای او تازگی داشت بارها بلم واژگون شد و خود  
او در آب افتاد . عاقبت به دهکده پاوا رسیدند و  
از این نقطه سفر پیرماجرای خود را دوشبانسه روز  
دیگر با پای پیاده در میان جنگلهائی مخوف که  
ساکنین آن جز ببر و پلنگ و مار و سایر جانسوران  
درنده نبود ادامه دادند و به ترتیب بود خود  
را به رودخانه کاکاریکا در کلمبیا رسانیدند و —  
کلبه های پراکنده قبیله چوکورا در مقابل خود  
یافتند .

ویست ندای امرالله و پیام نوبد بخش اخوت نوع  
انسان را بسمع این فراموش شدگان رسانید و پس  
از چهل و هشت ساعت ۲۳ نفر از این سیاهان  
پاک دل و سفید قلب ایمان خود را به امر حضرت  
بها<sup>۱</sup> الله اظهار داشتند . ویست در حالیکه  
از جام تائیدات الهیه سر مست بود در کمال  
صبر و بردباری و در انتظار آنکه همسفری پیدا  
شود و در مراجعت او را همراهی نماید در آنجا  
ماند و در این مدت همچنان به ابلاغ کلمه الله  
ادامه میداد .

ویست بعد از پنج هفته که بمحل خود بازگشت  
صورت اسابی و محل اقامت ۲۸ نفر دیگر از مؤمنین  
جدید را به محفل ملی تقدیم نمود . انقطاع و —  
فداکاری این مؤمن مخلص موجب گردید که یکی  
از اهداف مهمه فتح گردد و فعالیتهای امیری  
در میان افراد چوکو آغاز شود . احبای تازه تصدیق  
که بهمت ویست به شاهراه هدایت رهبری  
شده اند اکنون در صدد تأسیس مدارس و مراکز

بوکاد و کوب عزیمت نمود . موقعی که با آنجا رسید  
هیچ نوع وسیله نقلیه ای که بتواند با آن بسوی  
هدف و مقصد خود در کلمبیا حرکت نماید نیافت .  
ناچار برای تأمین مخارج خود مشغول به کاری  
شد ولی همچنان مترصد بود که راهنما و همسفری  
پیدا شود و وسیله ای فراهم آید تا بتواند بسفر  
خود ادامه دهد و مأموریتی را که متقبل شده  
بود به انجام رساند . در طول مدتی که در آن  
دهکده در انتظار بسر میبرد به تبلیغ پرداخت  
و نقطه ای جدید با جمعیتی متشکی از نه نفر  
تازه تصدیق تأسیس نمود . این اولین موفقیت او  
در نیمه راه سفر بشمار میرفت .

پس از چند روز وسیله حرکت مهیا گردید و مسافر  
ما با استفاده از یک راهنما خود را به یکی از  
نواحی چوکو که کیراد آزورا نام داشت رسانید  
و در آنجا نیز ۳۲ نفر را به امرالله مؤمن ساخت  
موضوعی که توجهش را جلب نمود این بود که  
در این محل با یکفر بهائی ملاقات نمود که  
متجاوز از دو سال قبل به امرالله اقبال کرده و سا  
اینکه گلاما تنها بود بر عقیده خود ثابت و استوار  
مانده بود .

موقعی که به دهکده قبلی مراجعت نمود تا  
بجمع آنهائی که قصد داشتند از راه رودخانه  
و بر خلاف مسیر آب مسافرت نمایند ملحق شسود  
با نهایت تأسف ملاحظه نمود که مسافرین مذکور  
از تصمیم خود منصرف شده اند و این امر او را  
بسیار مأیوس نمود . ویست ناچار مجدداً به کاری  
مشغول شد و در انتظار موفقیت روز شماری میکرد .  
سرانجام روزی شنید که یکی از سیاهان کلمبیا  
به تنهایی عازم آن مملکت است . این شخص  
رفتار دوستانه ای نداشت و ویست مردد بود که  
باین شخص ناشناس اعتماد نماید و سرنوشت خود  
را با او بسپارد . لکن تردید را جانش ندانسته باتوکل  
به تائیدات جمال اقدس ایمی این فرد بیگانه را

# شیخ چیلی

## و شیطان

شیخ چیلی که از دست شیطان عذابها کشیده بود تصمیم گرفت مردم را از شر شیطان نجات بخشد . روزی موقعی که در بیابان راه میرفت و در جستجوی شیطان بود مردی با او مواجه شد بسا یکدیگر سلام و تعارف کردند و مسرد عابر پرسید کجا میری ؟

شیخ جواب داد - در جستجوی شیطان هستم .

مرد عابر پرسید - برای چه ؟  
شیخ چیلی جواب داد - میخواهم او را بکشم و مردم را از شر او نجات دهم .





به راه افتاد در همان بیابان و در همان نقطه  
اولیه دوباره یکدیگر را ملاقات نمودند شیخ روسه  
شیطان کرد و گفت " ای شیاد این چه کاری بود که  
بامن کردی؟ "

شیطان گفت - چه کردم ؟

تو وعده داده بودی که هر روز بیست رویه در  
زیر بالش من بگذاری ولی امروز چندین روز است  
خبری از پول نیست .

شیطان جواب داد - شیخ چپلی ! گوش کن آخر  
این پول که بدی پدم نیست من چند روز پول  
را برای تو آوردم ولی بعدا منصرف شدم اگر  
چنانچه ناراحتی هستی بیا با هم کشتی بگیریم .

شیخ چپلی به زور و قدرت خود اطمینان داشت  
آخر یکبار شیطان را مغلوب کرده بود و وحریف  
شروع به زور آزمائی نمودند این بار شیطان شیخ  
را از زمین بلند کرد و او را به زمین انداخت و روی  
سینه اش نشست و کاردی در آورد و خواست او را  
بکشد .

آنگاه شیخ گفت - ای شیطان توی توانی مرا بکنی  
ولی اجازه بده سوء الی از تو بکنم .

شیطان موافقت کرد و گفت بگو .

یک هفته پیش که ما با یکدیگر مواجه شدیم و  
زور آزمائی نمودیم من تو را مغلوب نمودم پس چرا  
حالا که هیچ یک از ما همتایی نکرده ایم تو مرا  
به زمین زدی ؟

شیطان جواب داد - علتش این است که دفعه  
اول که به جنگ من آمدم مقصود بسیلر مقدسی  
داشتی ولی این دفعه برای پول و انتقام شخصی  
برای مبارزه با من آمده ای و بنابراین در گمراهی  
آسانی بر تو غالب شدم .

شیخ دانست که علت شکستش چه بوده و افسوس  
خورد که چرا اولین بار تصمیم خودش را عملی  
نکرده و به زندگانی شیطان خاتمه نداد .

آنگاه عابر جواب داد - شیطان من هستم شیخ

به او حمله ور شد و دعوی سختی در گرفت .

بالاخره شیخ چپلی بر شیطان غلبه پیدا کرد و او را  
به زمین انداخت سپس کاردش را در آورد و میخواست  
سر او را ببرد ولی شیطان دست او را نگاه داشت .  
شیخ ! تو میتوانی مرا بکنی اما قبلا گوش کن ببین  
بتوجه میگویم .

شیخ گفت - بگو .

شیطان گفت - از کشتن من هیچ نفعی عاید تو  
نخواهد شد اگر به من رحم کنی یقینا استفاده  
خواهی کرد .

شیخ چپلی پرسید - چه استفاده ای ؟

اگر تو مرا زنده بگذاری در برابر تو تمهید میگیرم  
که هر روز صبح در زیر بالش تو بیست رویه بگذارم  
شیخ چپلی وقتی که اسم پول را شنید فوراً متزلزل  
شد و با خودش گفت " در واقع از کشتن او چه  
سودی عاید من میشود ؟ آخر او یگانه شیطان  
جهان نیست . در دنیا شیطانهای زیادی وجود  
دارند اما اگر من او را بکنم هر روز بیست رویه  
بمن خواهد داد ؟ "

شیخ چپلی قرار دادی با شیطان بست و او را مرخص  
کرد . روز بعد صبح هنگام شیخ چپلی در زیر  
بالش خود بیست رویه دید . شیخ بی اندازه -  
خوشحال شد . یک هفته بدین ترتیب گذشت شیخ  
در این باره با خودش گفت " عجیب بدون هیچ  
رنج و زحمتی با شیطان شریک شدم و خزانسه او در  
اختیار من است "

ولی یک روز شیخ صبح بیدار شد و دست زیر بالش  
برد و سکه های نقره را نیافت . شیخ متحیر شد ولی  
فکیر کرد که شیطان فراموش کرده و فردا یقیناً  
بابت دو روز سکه های لازم را خواهد آورد روز بعد  
هم خبری از سکه ها نشد . شیخ چپلی یک روز دیگر  
هم تأمل کرد و باز هم از پول خبری نشد . شیخ  
از این ماجرا دل تنگ شد و در جستجوی شیطان

# چهره های موفق



" من متمسك بديانت بهائی هستم در نظر ممالك مختلفه و ملل آنها از وحدت اصلیه برخوردارند و مرزهای کشورها نباید موجب احساس بیگانگی و دشمنی در میان افراد انسان باشد . از این رو من در هر يك از نقاط جهان زندگی خود را با مردم آن بیگانه نمی بینم از جمله در ازبیر نیز . "

این ترجمه قسمتی از مصاحبه ای است که اخیراً یکی از روزنامه های ترکیه با يك جوان بهائی بعمل آورده این جوان موفق آقای محمد معروفی دانشجوی ایرانی است که مهاجر ترکیه میباشد و هم اکنون در دانشگاه " اژه " ازبیره تحصیل رشته پزشکی اشتغال دارد .

بعصداً " تأیید حول اقدام است " تأییدات الهی در زمینه نشر نفعات همواره شامل حالش بوده امر بهائی را به طبقات مختلف مردم از عوام تا اساتید دانشگاه بنحو شایسته ای معرفی نموده . آقای معروفی علیرغم گرفت مشغله در زمینه ورزش و مخصوص در رشته کشتی هم دارای فعالیت های زیادی میباشد و در سال جاری در مسابقات کشتی دانشگاه های ترکیه به مقام قهرمانی رسیده است . آرزوی ما پیشرفت های روز افزون ایشان در راه خدمت باستان الهی میباشد . جنود ملا اعلی حافظ و حارسش باد .

نقل از روزنامه کیهان ورزشی

ایرانی در سال دوم دانشکده پزشکی دانشگاه " اژه " ازبیره تحصیل اشتغال دارد . پنج سال است که کشتی میگیرد . وی در سال جاری در مسابقات کشتی دانشگاه های ترکیه در وزن ۵۲ کیلو قهرمان شده است . روزنامه های ترکیه عکس و شرح حال او را چاپ و آینده درخشانی در ورزش کشتی برای این دانشجوی ایرانی پیش بینی کرده اند . در عکس او را می بینید که در مسابقات کشتی دانشگاهها برنده شده و داور مسابقه دستش را به عنوان پیروزی بالا برده است .

" محمد معروفی دانشجوی ۲۴ ساله "

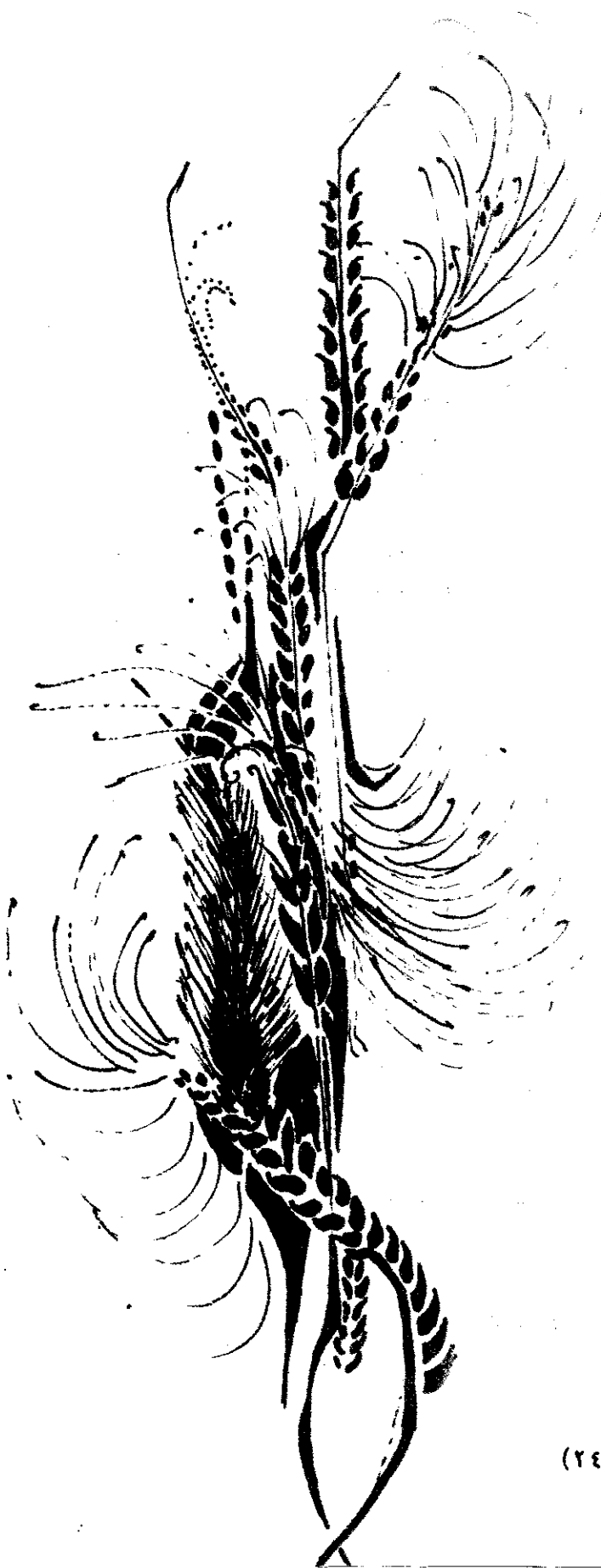
# موسیقی و گندم

پیرل وانبرگر بیولوژیست دانشگاه اوماوا (کانادا) بطور آزمایش گندمی را که کاشته بود تحت آهنگهای موسیقی قرار داد .

در نتیجه امواج صوتی ۵۰۰۰ لرزه ای - باعث گشت گندمها تا چهار برابر معمولی درشت شوند .

وی که نخست نمیتوانست این حقیقت را باور کند آزمایش خود را در مدت دو سال ده بار تکرار کرد نتیجه همیشه همان بود . آهنگها همچنان باعث رشد سریع گندم بودند و دانه ها مرتباً درشت تر میشد ولی گندمهایی که در نزدیکی آن محل کاشته شده بود و از برکت موسیقی بهره مند نمیشد رشد نمیکرد .

قبل از او یک کشاورز از اهالی ایلونویس (امریکا) با نواختن " راپسودی آبی " گشت خود را بهتر کرده بود . گیاه شناس هندی موسوم به سینگ با نواختن نی به رشد گیاهان کمک میکرد . این بیولوژیست تصور میکند انعکاس صوت در سلول اثر میگذارد . این طریقه جدید کشت توأم با سرو صداست ولی مقرون به صرفه میباشد بنابراین با صرف سیصد دلار و خرید یک بلندگو میتوان محصول را مضاف کرد .



# جواب مسابقه

شماره ۱۱ - ۱۲

چنان که خوانندگان عزیز مستحضرنند از آغاز سال جاری مسابقاتی از کتب مختلف امری در دسترس شما جوانان طرح گردیده است . مسابقه شماره ۱۱ و ۱۲ از کتاب بیان حقیقت تألیف مرحوم حسن رحمانی نوش آبادی بود . جوابهای صحیح آن به شرح زیر میروند . خانم روحیه حامدی از قصر - مازگان هستند که جایزه ایشان یک جلد کتاب درگه دوست بوده و برای مشارالیها ارسال شده است .

۱ - کتاب بیان حقیقت تألیف کیست و دارای چه جنبه هائی است ؟

ج - کتاب بیان حقیقت تألیف مرحوم حسن رحمانی نوش آبادی و دارای جنبه های تاریخی و استدلالی و احکام است .

۲ - سجن اعظم چند سال طول کشید ؟

ج - بیست و چهار سال .

۳ - حامل لوح سلطان که بود و عاقبت او چه شد ؟

ج - حامل لوح سلطان جناب بدیع بود و عاقبت به مرتبه شهادت رسید .

۴ - حضرت بهاء الله در یکی از الواح فارسی شرط آسایش را پاکی از الایش ذکر میفرمایند . آلایش و آسایش چیست ؟

ج - پاکی از الایش پاکی از چیزهائی است که زبان آرد و از بزرگی مردمان بکاهد و آن بستنیدن گفتار و کردار خود است اگرچه نیک باشد و آسایش هنگامی دست دهد که هر کس خود را نیکخواه همه روی زمین نماید .  
۵ - مسافرت حضرت عبدالبهاء با رویا و امریکا در چه سالی صورت گرفت و مقصد هیکی مبارک از ایسن سفر چه بود ؟

ج - عزیمت هیکی مبارک به اروپا در رمضان ۱۳۲۹ و به امریکا در ربیع الاول ۱۳۳۰ هجری قمری صورت گرفت و منظور از این سفرها ارتباط بین شرق و غرب و دعوت به شریعه مقدسه بهائی و انتشار تعالیم و معرفی دیانت بهائی بود .

۶ - پس از صعود حضرت عبدالبهاء تا زمان جلوس حضرت ولی امرالله چه کسی اداره امور امریه را بدست گرفت ؟

ج - بهائیه خانم خواهر حضرت عبدالبهاء ملقب به ورقه علیا .

۷ - طبق کدام سند حضرت شوقی افندی را به عنوان ولی امرالله می شناسیم و این سند از کیست ؟

ج - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء

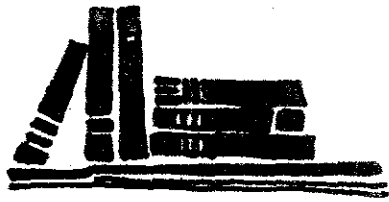
..... قسمت نوجوانان .....

۸- دوره \* ولایت حضرت ولی امرالله چند سال طول کشید ؟

ج - ۳۶ سال .

۹- علت تشرف آقا سید یحیی دارایی بحضور حضرت اعلی که منجر به تصدیق وی شد چه بود ؟

ج - مأموریت از جانب محمد شاه برای تحقیق درباره دیانت بایی .



## مسابقه این شماره

سوالات ذیل از جلد اول کتاب قرن بدیع *God Passes By* که حضرت ولی امرالله آنرا به زبان انگلیسی نگاشته و جناب نصرالله مودت به فارسی برگردانیده اند استخراج شده است . به يك نمره از کسانی که جواب صحیح سوالات را به آدرس ( طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱ ) ارسال دارند به قید فرعه يك جلد کتاب اسرار الاثار جلد اول اهدا خواهد شد . متنی است ذیل نامه خود نام و نسلم خانوادگی - سن و میزان تحصیلات را قید فرمائید .

- ۱- عصر تکوین دور بهائی آغازش از چه زمان است و به چه نامهایی تسمیه یافته ؟
- ۲- مراحل پنجگانه ای را که دیانت بهائی تا تأسیس يك جامعه جهانی طی خواهد نمود نام ببرید .
- ۳- حروفی در قرآن و مکاشفات یوحنا به چه بیانی توصیف گردیده اند ؟
- ۴- با نزول کتاب بیان چه وعده ای تحقق پذیرفت .
- ۵- جناب وحید دارایی چه شخصیتی بودند و چگونه شهید شدند ؟
- ۶- ظهور حضرت اعلی چه وجه تشابهی و چه وجه افتراقی با ظهور حضرت مسیح داشت ؟
- ۷- حضرت اعلی جناب قدوس را در بوشهر بدو بشارت مستبشر فرمودند اند و بشارت چه بود ؟
- ۸- زنان نویسنده معروف فرانسوی کشتار عظیم طهران را چگونه توصیف مینماید ؟
- ۹- ادوارد براون نویسنده شهیر انگلیسی درباره حضرت طاهره چه بیان معروفی دارد ؟

## سخانی از اولتر

ما هم چنینیم یا بجهان میگذاریم و زندگی میکنیم و سپس میپرسیم و همچنان از راز وجود خود بی خبریم و همه کس از عالم نیستی بدین جهان میآید اما از اینجا بکجا می رود؟ تنها خدا از این راز نهان خیر دارد .

.....

اوراق کتاب به منزله بالهائی هستند که روح ما را به عالم نور پرواز میدهند .

.....

هرگاه احساس میکنم که درد ورنج بیماری میخواهد آزام بدهد بکارپناه میبرم کاربهترین درمان دردهای من است .

.....

شما میتوانید گلی را زیر پای خود لگد مال کنید ولی محال است که بتوانید عطر آن را در فضا محو کنید .

.....

چند نیش مگس هرگز اسب چابک را از دیدن باز نمیدارد .

.....

آدمی هرگز بدکار و خبیث بد دنیا نمی آید بدکاری و خیانت نیز مانند بیماری عارضی است .

---

سرباز شجاع ( بقیه از صفحه ۲۴۶ )

امری خود هستند و تقاضای اعزام مبلغین ثابت نموده اند زیرا در میان این نفوس کسی که بخواند یا بنویسد وجود ندارد .